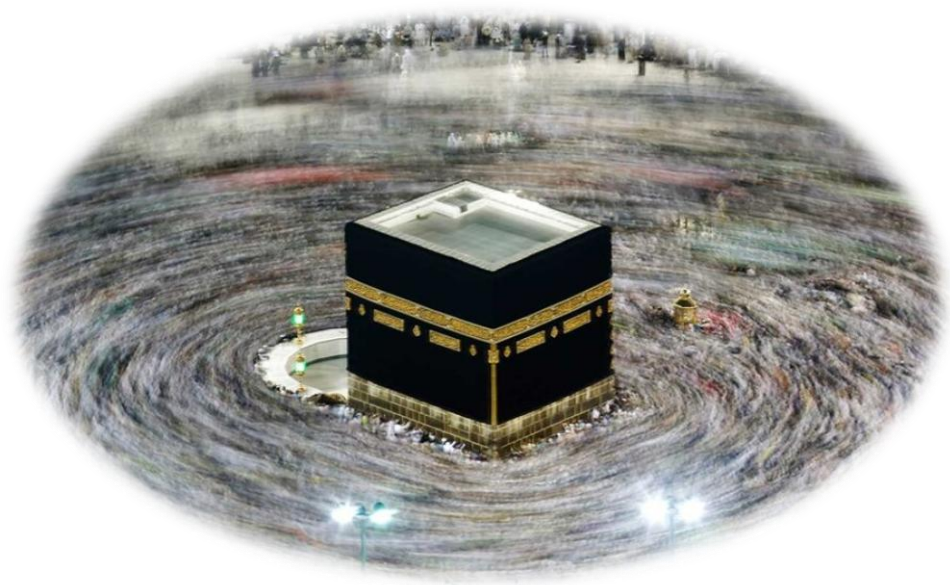
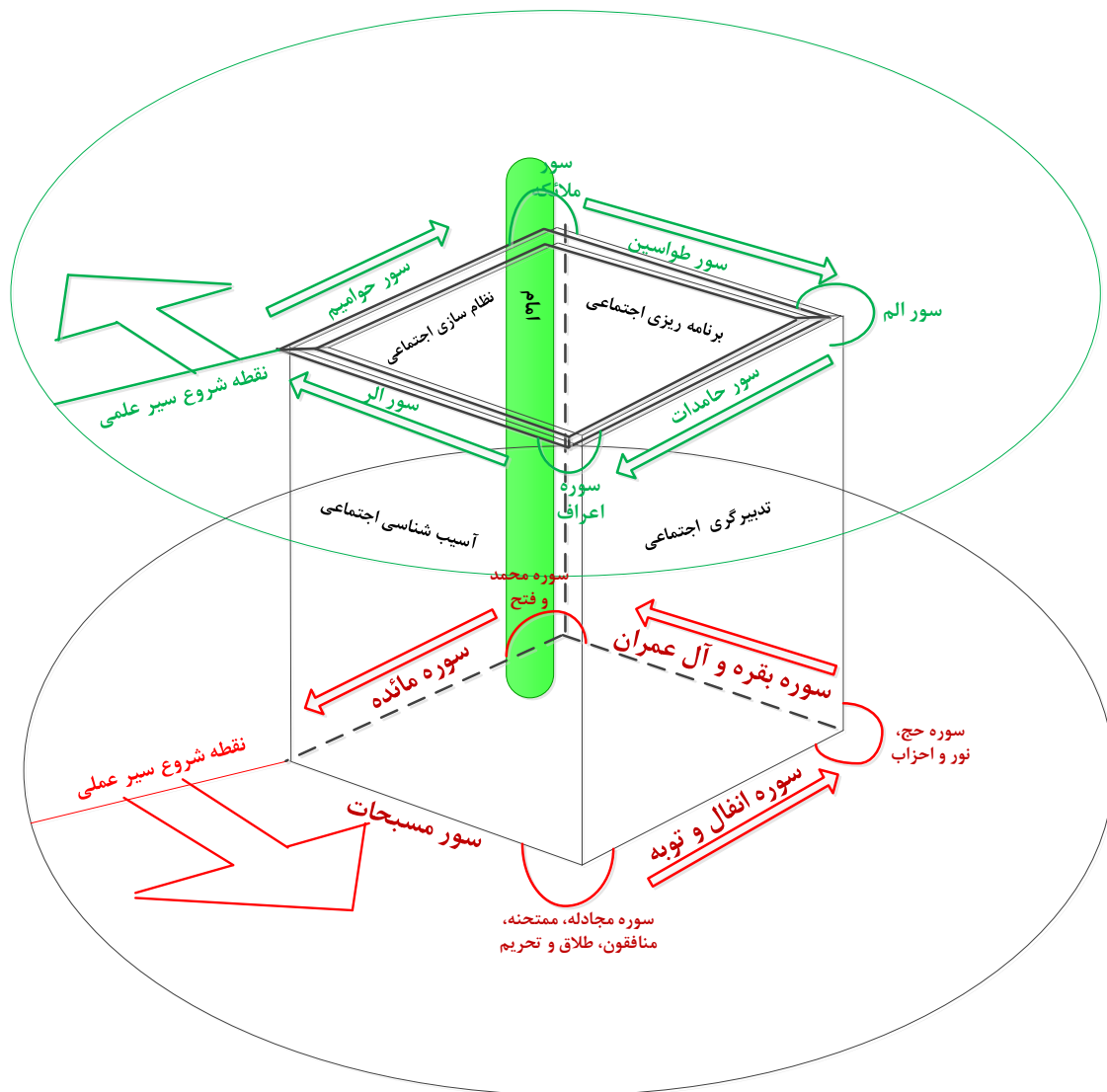


نقد علوم اجتماعی



طراح و مؤلف: سمیه افشار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست

فاتحه	۵
مقدمه	۸
فصل اول نقشه علوم اجتماعی	۱۱
فصل دوم کار گروه های علوم اجتماعی	۱۹
۱. کارگروه آسیب شناسی اجتماعی	۲۳
۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه ها	۲۴
۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه ها	۲۴
۲. کارگروه تدبیرگری اجتماعی	۲۵
۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه ها	۲۵
۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه ها	۲۶
۳. کارگروه برنامه ریزی اجتماعی	۲۶
۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه ها	۲۷
۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه ها	۲۸
۴. کارگروه نظام سازی اجتماعی	۲۸
۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه ها	۲۹
۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه ها	۲۹
فصل سوم عرصه های اجتماعی	۳۱
فصل چهارم روابط و تعاملات در عرصه های اجتماعی	۳۵
حقیقت ربط در هستی	۳۵
رابطه های اجتماعی	۳۶
انواع رابطه های اجتماعی در عرصه های مختلف	۳۶
خاتمه دفتر اول	۳۸
ضمائم دفتر اول	۴۲

فاتحه

✓ و خداوند در خلق اولیه عالم، نور محمدیه صل الله علیه و آله و سلم را خلق و از نور ایشان در خلق ثانویه، دیگر موجودات و مخلوقات را خلق نمود.^۱

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۰۹، رَسُولُ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَنِي وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الدُّنْيَا بِسَبْعَةِ آلَافِ عَامٍ قُلْتُ فَأَيْنَ كُنْتُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُدَّامَ الْعَرْشِ نُسُجِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَحْمَدُهُ وَ تَقْدُسُهُ وَ نَمَجْدُهُ قُلْتُ عَلَى أَىِّ مَثَالٍ قَالَ أَشْبَحَ نُورٌ حَتَّى إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَخْلُقَ صُورَتَنَا صَبَّرْنَا عُمُودَ نُورٍ ثُمَّ قَدَقْنَا فِي صُلْبِ آدَمَ ثُمَّ أَخْرَجْنَا إِلَى أَصْلَابِ آبَاءِهِ وَ أَرْحَامِ الْأُمَّهَاتِ وَ لَا يَصْبِيحُنَا نَجَسُ الشُّرْكِ وَ لَا سَفَاحُ الْكُفْرِ يَسْعُدُ بَنَا قَوْمٍ وَ يَشُقُّ [يَشْقَى] بَنَا آخَرُونَ فَلَمَّا صَبَّرْنَا إِلَى صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَخْرَجَ ذَلِكَ النُّورَ فَشَقَّهُ نَصْفَيْنِ فَجَعَلَ نَصْفَهُ فِي عَبْدِ اللَّهِ وَ نَصْفَهُ فِي أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ أَخْرَجَ النُّصْفَ الَّذِي لِي إِلَى أَمْنَةٍ وَ النُّصْفَ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فَأَخْرَجْتَنِي أَمْنَةً وَ أَخْرَجَتْ فَاطِمَةُ عَلِيًّا ثُمَّ أَعَادَ عَزَّ وَجَلَّ الْعُمُودَ إِلَيَّ فَخَرَجْتُ مِنِّي فَاطِمَةُ ثُمَّ أَعَادَ عَزَّ وَجَلَّ الْعُمُودَ إِلَيَّ عَلَى فَخْرَجَ مِنْهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يَعْنِي مِنَ النُّصْفَيْنِ جَمِيعًا فَمَا كَانَ مِنْ نُورٍ عَلَى فَصَّارٍ فِي وَلَدِ الْحَسَنِ وَ مَا كَانَ مِنْ نُورٍ صَارَ فِي وَلَدِ الْحُسَيْنِ فَهُوَ يَنْتَقِلُ فِي اللَّائِمَةِ مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۵۴، ص: ۱۷۱: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صِ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي فَفَتَقَ مِنْهُ نُورٌ عَلَى ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَ الْوُحَّ وَ الشَّمْسَ وَ ضَوْءَ النَّهَارِ وَ نُورَ الْأَبْصَارِ وَ الْعَقْلَ وَ الْمَعْرِفَةَ الْخَبِيرَ

و تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ص: ۳۵۹، عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: ان الله - تبارك و تعالی - كان و لا شیء، فخلق خمسة من نور جلاله. و لكل واحد منهم، اسما من أسمائه المنزل: فهو الحمید و سمي محمدا - صلى الله علیه و آله - و هو الأعلى و سمي أمير المؤمنين، عليا - عليه السلام - و له الأسماء الحسنی، فاشتق منها حسنا و حسينا. و هو فاطر، فاشتق لفاطمة من أسمائه، اسما فلما خلقهم، جعلهم فی الميثاق. فأقامهم عن يمين العرش. و خلق الملائكة، من نور. فلما أن نظروا اليهم و عظموا أمرهم و ميثاقهم و شأنهم و لقنوا التسييح. فذلك قوله تعالى: وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ. وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَيِّحُونَ فلما خلق الله تعالى، آدم - صلوات الله و سلامه علیه - نظر اليهم، عن يمين العرش، فقال: يا رب! من هؤلاء؟ قال: يا آدم! هؤلاء صفوتي و خاصتي. خلقتهم من نور جلالی. و شققت لهم، اسما من أسمائي. قال: يا رب! فبحقك عليهم، علمني أسماءهم. قال: يا آدم! فهم عندك أمانة، سر من سرى. لا يطلع عليها غيرك، الا باذنی. قال: نعم، يا رب. قال: يا آدم! أعطني على ذلك العهد. ثم علمه أسماءهم. ثم عرضهم على الملائكة. و لم يكن علمهم بأسمائهم. فقال: أَتَيْتُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ، إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قالوا: سُبْحَانَكَ! لَا عِلْمَ لَنَا، إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا. إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. قال: يا آدم! أَتَيْتُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ. فَلَمَّا أَتَاهُمْ، بِأَسْمَائِهِمْ، علمت الملائكة أنه مستودع. و أنه تفضل بالعلم. و أمروا بالسجود، إذ كانت سجدتهم لأدم، تفضيلا له و عبادة لله، إذ كان ذلك بحق له. فأبى إبليس الفاسق، عن أمر ربه. فقال: ما منعك أن لا تسجد، إذ أمرتك؟ قال: أنا خير منه.

قال: فقد فضله عليك، حيث أقر بالفضل، للخمسة الذين لم أجعل لك عليهم سلطانا و لا من يشبههم. فذلك استثناء اللعين: إِنْ عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ قال: إِنْ عِبَادِي، لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ، سُلْطَانٌ. و هم الشيعة. و قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ. وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ، فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵)

- ✓ بنابر دعای مشهور زیارت جامعه کبیره، ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مهبط الوحی، معدن الرحمة، خزان العلم، ... ائمه الهدی و مصابیح الدجی و....^۱، جلودار و پیشوای انسان‌ها در بسترهای زمانی و مکانی هستند.
- ✓ این بسترهای زمانی و مکانی و رخدادها و اتفاقات هرچند نظیر به نظیر تکرار نمی‌شوند، اما به صورت متشابه قابلیت تکرارپذیری دارند.^۲
- ✓ لذا برای انجام هر عملی در هر بستری در هر زمان و مکان، باید به امام آن بستر و عصر رجوع داشت.
- ✓ امام حی، ولی عصر، حجه الله الاعظم ارواحنا فداء، به عنوان امام زمان و امام عصر و سکان‌دار امت توحیدی و تشکیل‌دهنده امت واحده توحیدی هستند که دین و شریعت را بازگردانده و قرآن را از مهجوریت خارج می‌نمایند، شوکت متجاوزان را در هم کوبیده و فسق و عصیان را نابود می‌کنند. با نابودی فاسقان و کافران و دشمنان، پرچم هدایت را می‌گسترانند.^۳
- ✓ لذا هر انسان مسلمان متعهد و پیرو و تابع رسول و امام معصوم باید علی‌رغم شناخت هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و بستر عملکردی ایشان، شرایط زمانه‌ی خود را شناخته، در صدد انجام عمل متناسب با آن بستر و برگرفته از آیات و روایات برآید.
- ✓ قرآن تبیان لکل شیء است؛ و ائمه معصومین علیهم السلام ثقل دیگر آن؛ لذا قرآن و روایت دو منبع جدانشدنی به عنوان روشن‌کننده و تبیین‌کننده مسیر در عرصه‌های زندگی می‌باشند.
- ✓ از آن‌جا که امام معصوم علیه السلام به عنوان قرآن ناطق است، بنابراین شناخت امام معصوم علیه السلام مستلزم شناخت قرآن می‌باشد.
- ✓ بنابراین هر انسان مسلمان و متعهد و تابع و شیعه‌ای باید علی‌رغم شناخت عرصه‌ها و بسترهای زندگی و شناخت ویژگی‌های عملکردی اهل بیت علیهم السلام در بسترها، بتواند موضوعات آیات و سور قرآن را متناسب با بسترها شناخته و راهکار عملی ارائه نماید.
- ✓ بنابراین برای زندگی موحدانه، هیچ راهی جز تدبّر در قرآن و روایات و شناخت اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۶۱۰: زیارت جامعه کبیره: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرُّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبَطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَائِنِ الْعِلْمِ وَ مُمْتَهَنِي الْحِلْمِ وَ أَصُولِ الْكُرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النِّعَمِ وَ عَنَاصِرَ الْأَثَرِارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سَلَامَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَتَرَةَ خَيْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الثَّقَى وَ ذَوِي الثُّهَى وَ أَوْلَى الْحِجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأَوَّلَى وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۰: ... وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

کتاب شیوه گزاره‌های یقینی، اخوت، احمد رضا، قاسمی، مریم؛ مقدمه، ص: ۴

۳. زیارت امام زمان در روز جمعه و دعای ندبه

۴. سوره مبارکه نحل، آیه ۸۹: وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ

۵. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۳، ص: ۱۰۴: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص نَصَا فَقَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ قَوْلُهُ ص إِمَامًا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَنْ تَفَادَّهَا مَرَقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ



- ✓ چنانچه فردی بخواهد قرآن را در جامعه جاری نموده و در تشکیل امتّ واحده نقشی ایفا نماید و خود را از کشتی نجات امام آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه خارج ننماید، چاره‌ای ندارد جز آن‌که برای خروج قرآن از مهجوریت و جاری کردن آن در جامعه اقدامی علمی و عملی نماید.
- ✓ لذا هر فرد مسلمان شیعه‌ای به اندازه وسع وجودی و ظرفیت و توان خود باید برای انجام و تحقق این مهم، برنامه‌ریزی کند.
- ✓ از آن‌جا که امام عصر ارواحنا فداه پس از ظهور اقدام به جاری کردن آیات الهی و سنت رسول الله صلّ الله علیه و آله و سلم و احیای دین در عرصه‌های مختلف اجتماع می‌کنند، چنانچه فردی متدبّر قرآنی، آگاه به شرایط عرصه‌ها و بسترها باشد می‌تواند در آن زمان در هر سمت و نقشی به خوبی ایفای وظیفه نماید. ان شاءالله
- ✓ متن حاضر با توجه به آگاهی و علم محدود نویسنده و به منظور تسهیل و تسریع روند فوق در اجتماع تدوین یافته است.

و الله المستعان



مقدمه

- ✓ انسان موجودی بالطبع اجتماعی است.^۱
- ✓ هیچ شأنی از شئون انسان خارج از جمع و اجتماع معنا نمی‌یابد.
- ✓ انسان بدون زندگی اجتماعی قادر به ادامه حیات خویش نمی‌باشد.
- ✓ بنابراین چنانچه فردی بخواهد زندگی سالم و اسلامی و مطابق دستورات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، ناگزیر به اصلاح جامعه است.
- ✓ چرا که جامعه ناسالم، ایجاد کننده عرصه‌ها و بسترهای ناسالم خواهد بود و فرد نمی‌تواند در بستر و عرصه‌های آلوده و ناسالم زندگی طیب و الهی داشته باشد.
- ✓ در نتیجه هر انسان مسلمان و شیعه‌ای لازم است علاوه بر تزکیه نفس، به تزکیه اجتماع خود در حد بضاعت و توان اقدام نماید.
- ✓ و این مهم محقق نمی‌شود مگر با علم به موضوعات قرآن و تفصیل دادن آن‌ها در بسترهای زندگی.
- ✓ از آنجا که رسالت امام زمان ارواحنا فدا، جاری کردن قرآن در تمام عرصه‌های اجتماع است، برای آن‌که ایشان جلودار و امام جمعی خوانده شوند، لازم است ابتدا عدّه و جمعی وجود داشته باشند که با ایشان همراه و هم‌مقصد و هم‌آهنگ باشند. در غیر این صورت معنای کلمه امام (جلودار و پیش‌رو) معنا نمی‌یابد.^۲
- ✓ برای آن‌که چنین جمعی تشکیل شود و امام در رسیدن به مقصد خود یاری گردد، تمام مسلمانان شیعه جهان باید در تشکیل جمعی هم‌آهنگ با مقصد الهی امام اهتمام ورزیده و تلاش خود را مبذول دارند.

۱. ساختار وجودی جامعه، اخوت، احمد رضا، ص: ۵

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳، ص: ۲۲۶: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ يُؤْتَى وَ لَا يَأْتِي.



✓ لذا لازم است این افراد، خود متدبّر قرآنی باشند و هم‌چنین تلاش کنند دیگران را به سمت تدبّر در قرآن سوق دهند. زیرا تدبّر به معنای عاقبت‌سنجی است و تدبّر در قرآن یعنی بتوان احکام دین و بایسته‌ها و آیات الهی را در زندگی جاری کرد.

✓ آنچه در ادامه می‌آید، بایسته‌ها و ضرورت‌ها و چگونگی تشکیل چنین جمعی، با هدف تدبّر در قرآن و ترویج و تبلیغ تدبّر در قرآن در اجتماع است.

ضرورت اول: تدبّر در قرآن

تدبّر به معنای توجه به غایات، نهایت‌ها، نتایج و علل امری است. به تعبیر دیگر، اندیشه و یا توجه به عاقبت چیزی و عاقبت‌نگری را تدبّر می‌گویند.^۱ و تدبّر در قرآن به معنای توجه به غرض هدایتی کلمات، آیات و سوره‌های قرآن از فهم تا عمل است.

ضرورت دوم: برنامه‌ریزی تدبّری

- هر فردی باید بتواند برنامه‌ای منظم و مستمر جهت تدبّر در قرآن و ارتقای سطح تدبّری خود تهیه و تدوین نماید.
- این برنامه باید قابلیت اجرا داشته باشد و فرد را دل‌سرد یا خسته ننماید.
- برنامه مستمر تنها راه موفقیت و رشد است.
- از آن‌جا که خواندن قرآن باید گره‌گشا باشد و صرف مطالعه‌ی سطحی کفایت نمی‌کند، فرد می‌تواند برنامه‌ای علمی-عملی برای خود طراحی نماید.
- برنامه علمی-عملی باید قابلیت خودارزیابی داشته باشد.
- معیار سیر درست و برنامه مؤثر، عمل به آیات و تغییر سبک زندگی فرد و ارتباطات اجتماعی اوست.

ضرورت سوم: تشکیل جمع

از آن‌جا که زندگی فردی شأنی در منظر خداوند ندارد و انسان‌ها به یکدیگر وابسته هستند^۲ و چنان‌چه پیش‌تر تبیین گردید، متدبّر قرآنی باید تلاش نماید قرآن را از مهجوریت خارج نماید؛ لذا برای تحقق این هدف باید برنامه‌ای داشته باشد.

- این برنامه می‌تواند از جمع‌های خانوادگی یا دوستی تا جمع‌های تخصصی را شامل شود.
- مهم تبیین، نشر و ترویج لزوم تدبّر در قرآن در بین آحاد جامعه است.
- هر فردی به اقتضای توان و نقشه راه و برنامه زندگی خود برای این امر برنامه‌ریزی می‌کند.

۱. تدبّر، چپستی، چربی، چگونگی؛ اخوت، احمدرضا، ص: ۴۹

۲. ساختار وجودی جامعه، اخوت، احمدرضا، ص: ۵: انسان خلیفه خدا در زمین است و باید صفات و اسماء الهی را از خود تجلی دهد و مظهر آن اسماء شود. زمینه تجلی اسماء، برخورداری از اسمای فعل الهی است، این اسماء برای بروز و تجلی در قالب فضایی غیر از فضای خود فرد تحقق می‌یابد. با این نگرش، انسان لازم است برای رسیدن به غایت خود و مقصد نهایی‌اش به پروزهای اجتماعی متناسب با صفات الهی دست یابد، چه اینکه دست یافتن به این بروز، لیاقت تجلی در مقام اسماء را برای انسان رقم می‌زند.



ضرورت چهارم: قرآن در بسترهای زندگی

برای آن‌که بتوان از آیات قرآن در عرصه‌ها و بسترهای زندگی استفاده کرد، باید به نظام مسائل هر عرصه آشنا بود، و این مهم در سایه تدبّر در ادعیه امکان‌پذیر است.

- دعا به معنای خواندن خداست در شرایط اضطرارگونه بنده‌ای که در عرصه‌ها گرفتار مسائل و مشکلات می‌شود و راه چاره می‌جوید.
- ادعیه اهل بیت علیهم السلام کلاس درسی است که می‌توان نظام مسائل را از آن استخراج کرده و با تطبیق بر نظام موضوعات سوره‌ها، به جمع‌بندی و راه‌هایی دست یافت.
- لذا برنامه‌ریزی جهت ادامه سیر تدبّری و رسیدن به تدبّر در دعا، لازمه نشر قرآن در اجتماع است.



فصل اول

نقشه علوم اجتماعی

نعمت اُمت شدن و اُمت داشتن و به تبع آن امام شدن و امام داشتن، از مهم‌ترین نعمت‌های عطا شده به انسان است و اگر قدر آن دانسته نشود، زندگی انسان به کجراهه‌ها کشیده شده و امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های اجتماعی جهت شکل‌گیری اُمت فراهم نمی‌شود. به واسطه جریان اُمت شدن تحت لوای یک امام، فیض الهی نازل شده و جریانی از هدایت و ضلالت رقم می‌خورد لذا شرایطی برای استقرار اُمت توحیدی مهیا می‌شود.^۱ در اثر استقرار اُمت شاهد موارد زیر خواهیم بود:

- ◀ جماعتی با روحی واحد، دارای توان‌های مختلف ادراکی، عاطفی، رفتاری می‌شوند که متناسب با اقتضائات‌شان می‌توانند حوادثی را خلق کنند که سبب هدایت یا گمراهی آن‌ها شود.
- ◀ اُمت در سیر تکامل طبیعی و فطری و یا طبیعی خود قرار می‌گیرد و روز به روز وضعیت متفاوت‌تری نسبت به قبل را به خود می‌گیرد تا اجل او سر آید.
- ◀ اُمت می‌تواند با سایر اُمت‌ها در ارتباط باشد. طبیعی است این ارتباط گاهی دوستانه و گاهی به دشمنی کشیده می‌شود.
- ◀ نظام امامت که اتمام نعمت الهی به آن وابسته است، محقق می‌گردد و در نتیجه تقابل جدی با ظلمت‌ها در مراتب مختلف به وقوع می‌پیوندد.^۲

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب شکل‌گیری اُمت، اخوت، احمدرضا، مراجعه کنید.

۲. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب استقرار اُمت، اخوت، احمدرضا، مراجعه کنید.



پس از استقرار اُمت، سیر شکوفایی اُمت نیز جریان یافته و روز به روز به شکوه و مجد آن افزوده می‌شود. در نتیجه:

◀ به واسطه شکوفایی اُمت، نیازهای متنوع و متعددی برای انسان‌ها مطرح و امکان برآورده شدن آن‌ها نیز فراهم می‌گردد.

◀ استعدادها و توان‌هایی که در اثر تنوع ظهور اُمت شکوفا می‌شود.

◀ امکان هدایت حداکثری را به همه مردم می‌دهد.

◀ گروهی در اثر توجه به علم، گروهی در اثر گرایش به هنر، گروهی در اثر تمایل به سازندگی، گروهی به واسطه عبادات و توجه ویژه به مناسک، گروهی در مواجهه با خدمات اجتماعی و ... به غایت و کمال خود رسیده و در واقع هر یک از این گروه‌ها در حکم اُمتی خواهند بود که متناسب با توانمندی‌های مختلف به ظهور می‌رسند.

◀ چنین امکانی تنها در صورت شکل‌گیری و استقرار اُمت و در اثر مجاهدت‌های مؤمنین در طول زمان محقق می‌شود.^۱

علوم اجتماعی^۲ در راستای تشکیل جمع‌های ربانی و اُمت توحیدی حول محور امام، می‌تواند با شناسایی ظرفیت‌ها از طریق گام‌های زیر، ظرفیت‌ها را ارتقاء داده و با ایجاد ظرفیت‌های جدید^۳ این هدف مهم را محقق نماید:

- آسیب‌شناسی اجتماعی با محوریت رفع موانع ظرفیت‌های اجتماعی برای شکل‌گیری اُمت
- تدبیرگری اجتماعی با محوریت تدبیر^۴، تدبیر و تبیین برای استقرار اُمت
- برنامه‌ریزی اجتماعی با محوریت نظام ولایی^۵ برای شکوفایی اُمت
- نظام‌سازی اجتماعی با محوریت ولی^۶ برای رشد اُمت

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب سیر شکوفایی اُمت، ج ۱، اخوت، احمدرضا، مراجعه کنید.

۲. منظور از علوم اجتماعی، علمی است که در ساحت اجتماع معنا پیدا می‌کند.

۳. ظرفیت‌شناسی: شناخت توان تکلیفی (ظرفیتی است که خداوند امر و نهی را برای انسان وضع کرده است) و توان بهره‌مندی انسان یا جامعه است. ظرفیت‌سازی: برای تداوم جریان اجرای بایسته‌های الهی، نیاز است در زمینه اصلاح نیازها که اقتضای اوامر و نواهی است و در زمینه ارتقای استطاعت افراد در زمینه فهم و عمل به دستورهای الهی اقداماتی را انجام داد؛ که از آن به نام ظرفیت‌سازی یاد می‌کنیم.

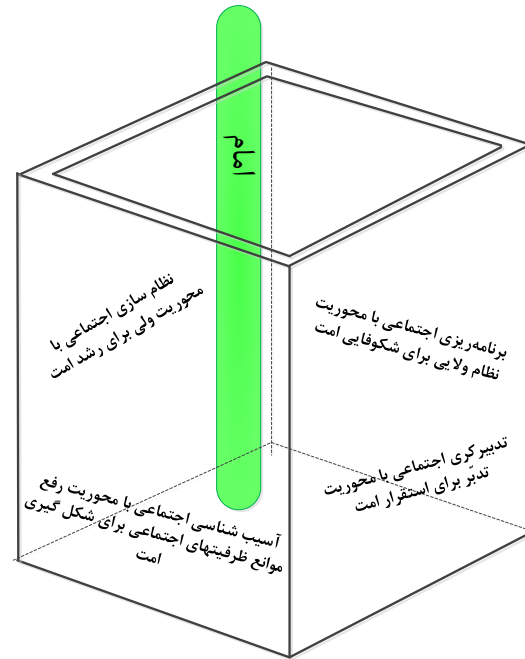
ارتقاء ظرفیت: ظرفیت بستر حقیقی است که قابل توسعه یا کاهش است و نمی‌تواند در یک وضعیت ثابت بماند.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به جلد ۱۷ کتاب روش‌های تدبیر در قرآن، نظام‌سازی، مراجعه شود.

۴. تدبیر، توجه به عاقبت یک امر یا موضوع، عاقبت‌نگری یا تدبیر نام دارد و تدبیر (کتاب العین جلد ۸ ص ۳۴: نظر فی عواقب الامور) به معنای تنظیم و اداره امور در رساندن آن‌ها به عاقبتی است که برای آن امور قرار داده شده است (کتاب تدبیر چیستی چرایی، اخوت، احمدرضا، ص: ۴۷)

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب تدبیر چیستی چرایی مراجعه شود.

۵. برای مطالعه بیشتر در مورد نظام ولایی به کتاب نظام‌شناسی ولایت آقای احمدرضا اخوت و کتاب ولایت فقیه امام خمینی و آقای جوادی آملی مراجعه شود.



شکل ۱- گام‌های تشکیل جمع‌های ربانی و امت توحیدی حول محور امام

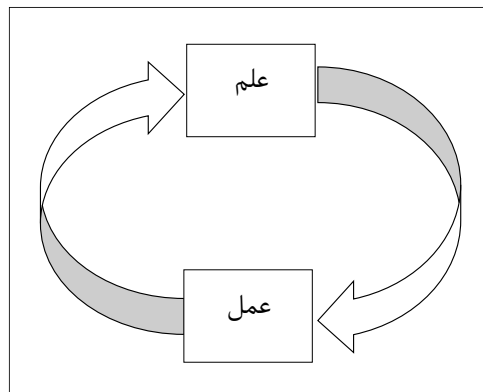
با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت:

- ✓ در مسیر تحقق این غایت، همه هستی نیز در این راستا هماهنگ شده و مختصات و ظرفیت عالم تغییر می‌نماید.
- ✓ نقشه عملیاتی تدبیر محور علوم اجتماعی، با محورهای ذکر شده به عنوان نقشه عملیات برای ظرفیت‌شناسی، ظرفیت‌سازی و ارتقای ظرفیت، تبیین و تفصیل شده است.
- ✓ در این عملیات‌ها لازم است هر عملیات‌کننده‌ای بتواند در مراتب طولی، حقایق و بسترهای عرضی، شناخت دقیقی از حدود و ثغور عرصه عملیاتی خود داشته باشد. بنابراین توجه به چرخه علم و عمل، برای هر عملیات در عرصه‌های اجتماعی لازم است.^۱
- ✓ تدبیر در قرآن دارای دو بال علم و عمل است. از یک‌سو دانسته می‌شود و از سوی دیگر عمل می‌شود. عمل به قرآن در صورتی که به صورت همه‌جانبه مورد نظر باشد نیازمند طرح و برنامه است.
- ✓ این برنامه‌ها باید قابلیت اجرایی شدن داشته باشند.
- ✓ عملیاتی‌سازی این حقایق، نباید در محدوده عمل به آموزه‌هایی از هم جدا و پراکنده باقی بماند.
- ✓ بنابراین در عمل به قرآن نیازمند طراحی عملیاتی هستیم که در آن منظومه مشخصی از باورها و اعمال بر محور غرض و مقصدی معین قرار گرفته‌اند، به صورتی که امکان تحلیل برای بایسته‌های اقدام را در اختیار عمل‌کننده قرار می‌دهند.^۲

۱. منظور از عملیات تدبیر محور: اجرایی کردن سوره‌ها با ورود به صحنه‌های اجتماعی و فردی با اتکاء به موضوعات و مسائل مطرح شده در آن سوره‌ها است.

(کتاب عملیات‌سازی، اخوت، احمدرضا، ص: ۳۵۶)

۲. کتاب عملیات‌سازی، اخوت، احمدرضا، ص: ۳۵۵.



شکل ۲- چرخه علم و عمل

برای تحلیل فضای فرد و جامعه لازم است موضوعات مطرح در جامعه و مسائل مبتلا به، در این جامعه شناخته شوند. در این صورت شناخت بسترها از یکدیگر و تمایز دادن آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. از آن‌جا که این نقشه مبتنی بر عملیات‌های تدبیر محور طراحی شده است، تمام مراحل برگرفته از سوره و آیات قرآن و شفع دیگر آن، روایات اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

✓ اولین شرط در انتخاب سوره‌ها در سیر علمی و سیر عملی، مبتنی بر فضا و پس‌زمینه مشترکی است که این سوره‌ها دارند.

✓ در کلی‌ترین حالت ممکن این فضا و پس‌زمینه، در مکی و مدنی بودن سوره‌هاست.

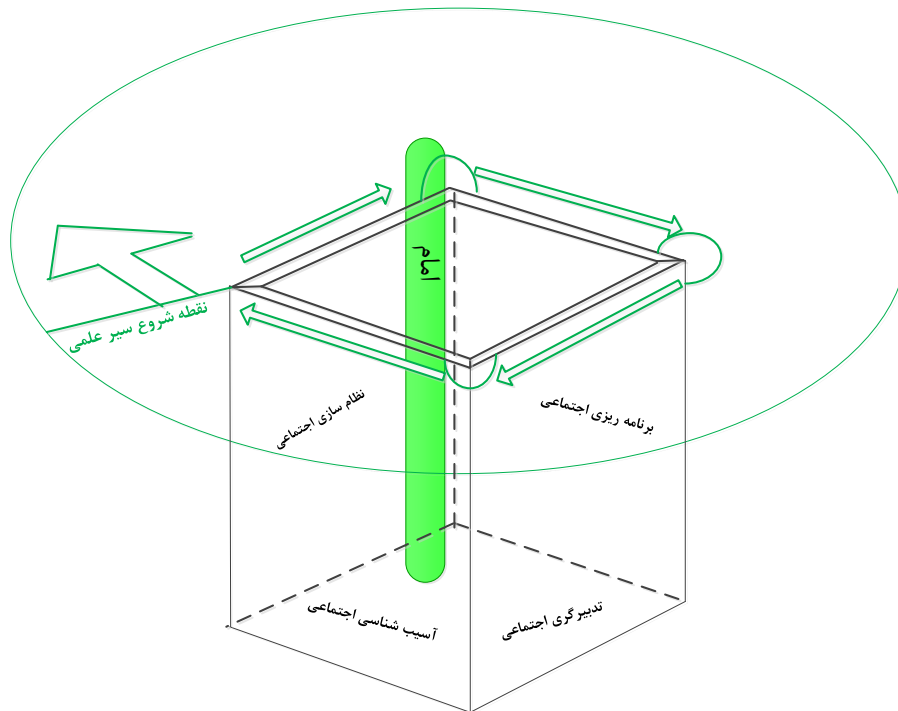
✓ در شناسایی نیازها، در مراجعه به قرآن لازم است با هماهنگی میان سوره‌های مکی و مدنی به شناسایی نیازها اقدام کرد.^۱

✓ محوریت در سور مکی ابلاغ پیامبر اکرم درباره مردم و تبلیغ ایشان است. چنین امری صفت خاصی را بر اندازی بودن این سوره‌ها می‌افزاید. علاوه بر این که ایجاد تهیه و آمادگی‌های روحی و جمعی برای برقراری حکومت دینی (فضای مکی) از خصوصیات دیگر فضای مکی سوره‌هاست.^۲ سوره‌های مکی، به بیان حقایق و باورها می‌پردازد.

بنابراین به نظر می‌رسد در سیر علمی، لازم است برای هر فعالیت اجتماعی- فرهنگی؛ ابتدا چستی حکم مشخص شود و سپس با گام‌بندی و برنامه‌ریزی، چرایی آن واضح گردد و جهت اجرایی شدن آن، به سمت تبیین چگونگی اجرای آن حکم حرکت کنیم. در نتیجه بعد علمی و رویکردی، از مسیر نظام‌سازی به برنامه‌ریزی، تدبیرگری و نهایتاً آسیب‌شناسی حرکت خواهیم کرد.

۱. برای مطالعه بیشتر چرایی انتخاب سوره به کتاب عملیات‌سازی، اخوت، احمدرضا، صفحات ۵۱، ۲۲۸ و ۳۶۰ مراجعه شود.

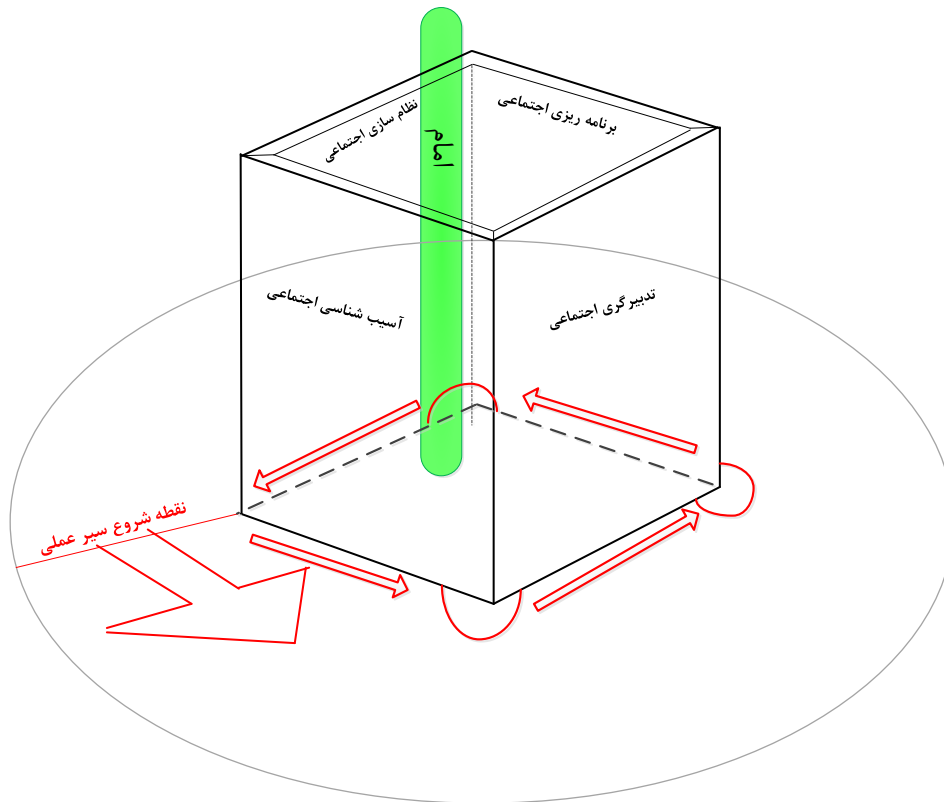
۲. کتاب روش‌های تدبیر سوره‌های مکی، اخوت، احمدرضا، ص: ۲۰.



شکل ۳: سیر علمی-اعتقادی (سور مکی)

- ✓ سوره‌های مدنی که در ده سال عمر بی‌بدیل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مدینه نازل شد، تجربه ده سال حاکمیت اسلام در مدینتی از نو پایه‌ریزی شده بود که با آن وعده تمام انبیاء در حاکمیت نظام توحیدی در عالم تحقق یافته و به یمن برکتش، حکومت جهانی بقیه‌الله ارواحنا فداه تشکیل خواهد شد.
- ✓ مطالعه دقیق این سوره‌ها می‌تواند ما را با این تجربه حکومتی و شیوه‌های اجرای حکومت دینی آشنا نماید.
- ✓ بر همین اساس سوره‌هایی که در فضای مدینه نازل شده، بیشتر به اجرای قوانین و احکام در سطح مردم پرداخته تا جامعه -چه در سطح جوامع کوچک و چه در سطح جهانی- از رحمت و فیضی عام برخوردار باشند و نظام توحیدی و توحید کلمه در سراسر هستی با اختیار و طوع جاری گردد.^۱
- ✓ در سوره‌های مدنی نوعاً با احکام جاری در اجتماع یا ملاحظاتی که لازم است توسط رسول و مؤمنین اجرا شود، مواجه هستیم.
- ✓ با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد لازم است برای هر فعالیت ابرازی و عملی در عرصه‌های مختلف اجتماعی از بررسی آسیب‌های اجتماعی شروع کرده و در انواع ابرازات به این وجه توجه نشان داد و سپس با تدبیر امور به سمت برنامه‌ریزی اجتماعی در عمل و اجرا اهتمام ورزید تا نهایتاً حکم متناسب موضوعات و مسائل را در بستر مرتبط استخراج نماید.

۱. کتاب روش‌های تدبیر سوره‌های مدنی، اخوت، احمد رضا، ص: ۱۹.



شکل ۴- سیر اجرایی و عملی (سور مدنی)

✓ به این ترتیب محوریت غالب تمایزها در سوره های مکی "هست و نیست" و در سوره های مدنی "باید و نباید" است.

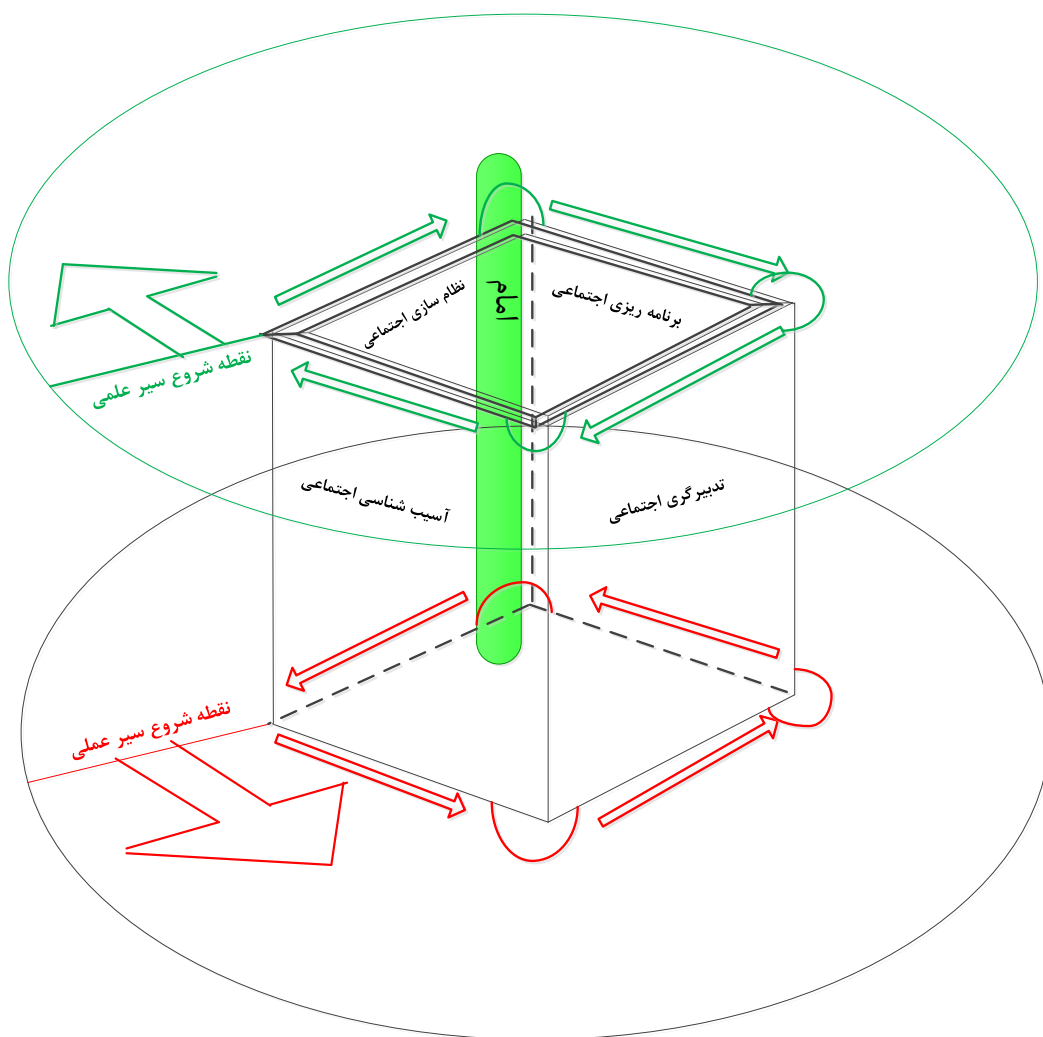
✓ نسخه هایی که برای اصلاح فرد و جامعه به کار می رود از فضای مکی آغاز و به فضای مدنی انتقال می یابد.

✓ فضاهای مکی اصلاح را از ناحیه درونی انسان آغاز می کنند و در فضاهای مدنی، تمرکز بر اصلاح از ناحیه بیرونی انسان است.

✓ در انتخاب سوره های مدنی لازم است به این نکته توجه شود که سوره های مکی به عنوان پشتیبان سوره های مدنی در اقدام و عمل لازم است در نظر گرفته شوند.^۱

در ادامه نقشه تلفیقی سیر علمی-اعتقادی و سیر عملی-اجرایی آمده است.

۱. کتاب عملیات سازی، اخوت، احمد رضا، ص: ۳۶۰.



شکل ۵- نقشه کعبه شامل سیر علمی و سیر عملی



عالم هستی، تمامی مظهر و جلوه اسماء الهی است که به واسطه رحمت عامه خداوند هستی یافته و به واسطه آن، هستی خود را تداوم می‌بخشد. طبیعتاً هیچ شأنی از شئون عالم را نمی‌توان یافت که از تجلی اسماء جلال و اکرام خداوند تهی باشد. بدیهی است بدون شناخت اسماء الهی مرتبط با هر عرصه امکان انجام عملیات وجود ندارد. در شناخت اسماء الهی و بسترهای عرصه‌های عملیاتی لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

❖ توجه ویژه نسبت به امکان ایجاد بسترهای جدید و یا تغییر بسترهای عملیات

❖ توجه به کشف قواعد پدیده‌ها و موجودات در هستی

❖ شناسایی ظرفیت پدیده‌ها و موجودات

❖ ایجاد تغییر در ظرفیت پدیده‌ها

اگر عملیات کننده به بسترها، مراتب طولی نزول حقایق در آن‌ها و تغییر بسترها توجه لازم را نداشته باشد، عملیات با شکست مواجه خواهد شد و تبعات آن متناسب با سطح عملیات بروز خواهد نمود.

بر حق بودن امام جمع‌ها و پذیرش ولایت چنین امامی، برای شکوفا کردن ظرفیت جمع‌ها در کل عالم لازم است.

با توجه به مطالب مطرح شده، عملیات‌ها در حوزه علوم اجتماعی، بر مدار ظرفیت‌سازی و ظرفیت‌شناسی و ارتقای آن‌ها، حول محور امام شکل گرفته و شاهد ارتقاء ظرفیت‌ها و تجلی علم حقیقی در عالم خواهیم بود. ان شاء الله



فصل دوم

کار گروه‌های علوم اجتماعی

به واسطه شکل‌گیری، استقرار و شکوفایی اُمّت، هویت جمعی انسان در سیر تکاملی قرار می‌گیرد، دوره‌های رشد را یکی پس از دیگری طی کرده و با طی هر دوره‌ای به مجد و شکوهی دست می‌یابد که می‌تواند هویت اجتماعی‌اش را شکوفا نماید. هویت جمعی همان توان و ظرفیت عطا شده خداوند به انسان است که به واسطه پیوند و ارتباط با دیگران به وجود می‌آید، و تشخیص جدیدی به او داده می‌شود که بدون آن، این تشخیص را نمی‌یابد. دست‌یابی به انواع عمل صالح و خلق حوادث و رخدادهایی متناسب با مراتب رشد و نیز مراحل بلوغ از ویژگی‌های اصلی و اساسی هویت جمعی در حال رشد است.^۱

بنابراین برای تعیین ظرفیت انسان (انسان اجتماعی)^۲ و ارتقای آن، موارد زیر باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

- هویت جمعی
- نیازهای مبنایی برای تشکیل جمع‌ها
- نحوه شکل‌گیری جمع‌های انسانی
- مقاصد و اهداف جمع‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب شاکله جمع، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.

۲. کمال هویت جمعی به شکل گرفتن وضعیتی در زندگی انسان اشاره دارد که در آن نوعی پیوستگی و هماهنگی در زندگی نوع مردم با انواع ارتباطاتی که با هم دارند رخ می‌دهد تا آن‌ها را با سهولت بیشتری به سمت عبودیت خدا سوق دهد.



از آنجا که علوم اجتماعی عهده‌دار تنظیم ساختار و نظامی برای ظرفیت‌شناسی، ظرفیت‌سازی و ارتقاء آن بر مدار توحید است؛ بنابراین موارد فوق را بر مبنای جمع توحیدی و در راستای ابراز ظرفیت انسان بر مدار توحید بررسی و تنظیم می‌کند. در نتیجه برای تحقق جمع توحیدی و ربانی با محوریت امام حق و در راستای اُمت‌سازی توحیدی لازم است ناظر به سوره‌های قرآن، در هر دو سیر علمی و عملی، حرکت نماید؛ لذا برای تحقق این هدف ضروری است، یک دور تمام سوره‌های قرآن مورد بررسی قرار بگیرند.

در این راستا لازم است اقدامات زیر صورت پذیرد:

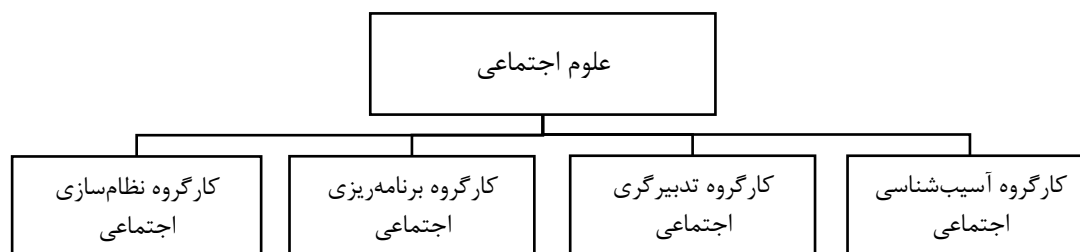
اول: مطالعه هویت جمعی موجود و شناخت هویت جمعی مطلوب موحد، به آسیب‌شناسی، پیش‌گیری و درمان آسیب‌های موجود در راستای شکل‌گیری جمع‌ها و حرکت‌های جمعی موحدانه می‌انجامد. تا با شناخت و رفع موانع و آسیب‌ها، شرایط و انگیزه لازم برای تشکیل چنین جمعی فراهم شود.

دوم: برای تحقق و استقرار جمع ربانی موحد و اُمت واحده توحیدی، انواع حرکت‌های اجتماعی و چگونگی حرکت‌های جمعی برای دستیابی به مقاصد را شناخته و چنین جمع و حرکتی را برای رسیدن به مقصد تدبیر نماید.

سوم: با شکوفایی و تثبیت جمع حول محور امام حق، برای تحقق مقاصد جمع ربانی در راستای گسترش قسط و عدالت، حول محور امام و ولایت‌مداری در همه بسترها برنامه‌ریزی کرده و جایگاه ولایت را در هر بستری تثبیت نماید به‌نحوی که همه جمع و نقش‌ها را حول آن سازماندهی کند.

چهارم: با نظام‌سازی اجتماعی، شرایط برای ارتقاء و تغییر ظرفیت‌ها در راستای ظهور اُمت واحده توحیدی و تقویت و رشد این اُمت را فراهم کند.

با توجه به اقدامات لازم برای تحقق جمع ربانی (ظرفیت‌شناسی، ظرفیت‌سازی و ارتقاء ظرفیت‌های اجتماعی توحیدمحور) اقدامات علوم اجتماعی را می‌توان در قالب ۴ کارگروه با محوریت سوره‌های مرتبط به آن، به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود.

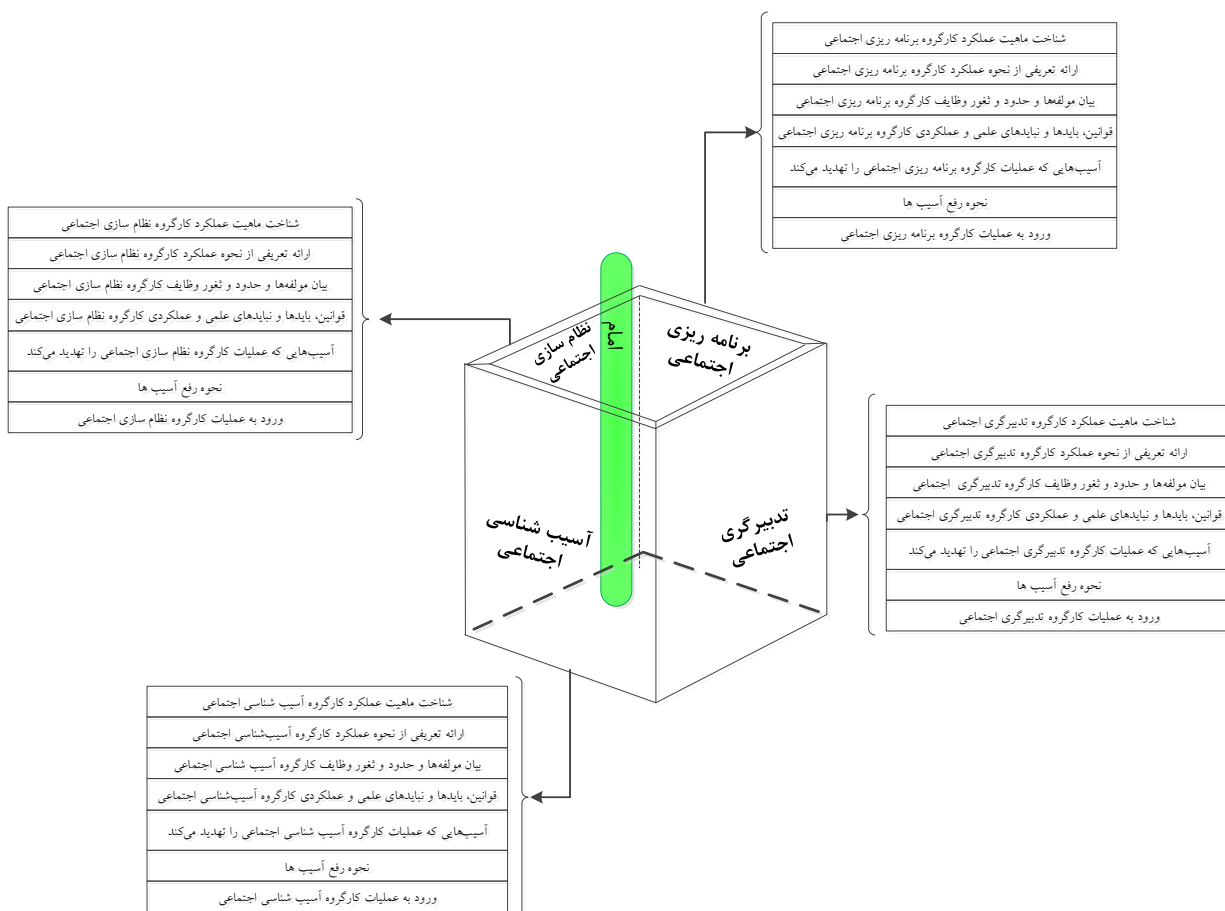


طبق آنچه بیان شد نقشه علوم اجتماعی، یک نقشه جامع است؛ لذا لازم است هر کدام از کارگروه‌ها برای خود یک آیین‌نامه علمی، پژوهشی، سازمانی و اجرایی داشته باشند.

بنظر می‌رسد در این راستا پاسخ به سوالات زیر راهگشاست:

۱. شناخت ماهیت عملکرد کارگروه (موضوع کارگروه چه چیزی هست و چه چیزی نیست)
۲. ارائه تعریفی از نحوه عملکرد کارگروه
۳. بیان مؤلفه‌ها و حدود و ثغور وظایف کارگروه
۴. قوانین، بایدها و نبایدهای علمی و عملکردی کارگروه
۵. آسیب‌هایی که عملیات کارگروه را تهدید می‌کند
۶. نحوه رفع آسیب‌ها
۷. ورود به عملیات کارگروه

این اقدامات به طور خلاصه در شکل شماره ۶ تفصیل داده شده است.



شکل ۶- کارگروه‌های علوم اجتماعی



برای افزایش کارایی و بهره‌وری، افراد کارگروه‌ها می‌توانند یک عرصه را انتخاب کرده و در مسیر دستیابی به تخصص باشند.

در ادامه به تعریف هر کارگروه و وجه ارتباط علمی و عملی آن با دیگر کارگروه‌های مرتبط، مبتنی بر سوره‌های مکی و مدنی پرداخته می‌شود.

بدیهی است چنانچه پیش‌تر گفته شد، برای تشکیل اُمت و دستیابی به اهداف ذکر شده، لازم است هر چهار کارگروه در تعامل با یکدیگر حول محور امام به فعالیت بپردازند. در غیر این صورت نه تنها اهداف نقشه محقق نمی‌شود، بلکه فعالیت‌ها به بیراهه کشیده خواهد شد.



۱. کارگروه آسیب‌شناسی اجتماعی

خوب زیستن موضوعی است که در تمام برهه‌های زندگی انسان مطرح بوده و هست و در صورتی اتفاق می‌افتد که انواع تفکر در انسان از جمله تفکر عینی و اجتماعی‌اش شکوفا شود. اگر چنین تفکری که به نام مقدس تفکر ابرار نامیده می‌شود در جامعه نباشد، حرکت‌های اجتماعی بر اساس خواش‌های نفسانی شکل خواهند گرفت و نتیجه آن تفرقه، اختلاف، استضعاف و... می‌باشد. لذا طبیعی بنظر می‌رسد از مهم‌ترین وظایف علمی برای هدایت همه جانبه انسان، روشنگری در خصوص رفع موانع تفکر اجتماعی است، زیرا با وجود موانع، امکان تفکر اجتماعی وجود ندارد.

موانعی که انسان برای تفکر اجتماعی با آن درگیر است در محل‌هایی نمود پیدا می‌کند. کارگروه آسیب‌شناسی با بررسی انواع موانع و محل آسیب موانع در مؤلفه‌های تفکر اجتماعی بنا دارد ضمن ارائه تعریفی جامع از آسیب‌شناسی اجتماعی، درصدد رفع و درمان آسیب‌های اجتماعی برای ساماندهی حرکت‌ها و بروزات اجتماعی برآید.

سور مکی‌الر به بیان حقایق و باورها در بُعد علمی پرداخته و بیان‌کننده نقش آیات در زندگی فردی و اجتماعی انسان و نحوه چگونگی برخورد با آیات است. در این راستا به منشأ، اصل، جریان و نتایج نزول آیات و صفاتی که در اثر آن در عالم تجلی می‌یابد اشاره می‌کند. لذا ضمن بیان صفت بارز اولالباب که ثمره شناخت و رفتار مثبت نسبت به آیات است؛ به بیان ویژگی‌های شناختی و رفتاری مربوط به موضع‌گیران با وحی، کتاب و انبیاء و تبعات آن، می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت سور مکی‌الر، از منظر پرداختن به انواع آسیب‌های اعتقادی پایه و نحوه درمان آن قابل بررسی است.

و سور مدنی مسبّحات، با بیان نحوه جاری کردن احکام الهی در جوامع و از منظر عملکردی، ضمن اینکه اسماء الهی را دارای جایگاه بارز و آشکاری در محتوای سوره معرفی می‌کند؛ به صورت مشهودی در هر پنج سوره به آسیب‌هایی اشاره دارد که به صورت روزمره می‌تواند یک جامعه توحیدی را گرفتار کند.

در مجموعه این سوره‌ها، حالات مختلف آسیب‌های جدی جامعه توحیدی بررسی شده است. بنابراین وجوه مشترک سوره‌ها بر دو جنبه وجه اسماء الهی به عنوان راه درمان و نجات، وجه انواع روش‌های مقابله با استمرار و استقرار حکومت جامعه ایمانی قرار می‌گیرد. که با بررسی اسماء الهی می‌توان خلاءهای فکری یک جامعه را بررسی کرده و برای درمان آسیب‌ها از اسماء الهی مدد گرفت.

بدین ترتیب در کارگروه آسیب‌شناسی، می‌توانیم با بررسی سور مکی‌الر به قواعد و احکام شناسایی آسیب‌های اجتماعی و با بررسی سور مدنی مسبّحات به نحوه عملکرد درمانی آن‌ها دست پیدا کنیم.

برای پویایی کارگروه و عملکرد دقیق‌تر، مبتنی بر نقشه جامع علوم اجتماعی؛ لازم است کارگروه آسیب‌شناسی از دو منظر با کارگروه تدبیرگری اجتماعی مرتبط شود. چرا که در وجه علمی لازم است از طریق مدیریت توان‌ها و امکانات اعضای کارگروه، مطالب تبیین و شرایط تدبیر شود. و برای ایجاد قابلیت ابراز و عمل باید بعد از شناخت آسیب‌ها، در صدد رفع آن‌ها برآمده و با تبیین مطالب و تدبیرگری، علاوه بر جلوگیری از ادامه آسیب، راهی برای بهبود و ارتقاء شرایط در نظر گرفته شود.



۱.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه ها

از وجه علمی، لازم است با بهره‌مندی از سوره اعراف؛ شناختی از تمایز میان زندگی انبیاء الهی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و آشنایی با سیر فرآیند رشد بشر به دست آورده و از طریق بررسی آیات مرتبط به عالم ذر با لایه باطنی، از زندگی انسان در دنیا و هستی آشنا شود.

در مجموع این نوع نگاه اعتقادی، از طرفی نیازمند تدبیر و تدبّر یا به اصطلاح تدبیرگری در عرصه‌های زندگی بوده و از طرفی با توجه به وجه استعاده‌ای سوره و آیات مرتبط با انحرافات دینی؛ باید به وجه آسیب‌های اجتماعی در بعد اعتقادی نیز توجه داشت.

بنابراین می‌توان گفت از بُعد علمی و اعتقادی حلقه واسط گذر از مباحث تدبیرگری و ورود به مطالب آسیب‌شناسانه در عرصه اجتماع، نیازمند نگاه تدبّری به سوره مبارکه اعراف است.

۲.۱. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه ها

از طرفی دیگر جهت اجرایی کردن این مطالب نیاز به مباحث تدبّری در سوره‌هایی است که بتواند حلقه واسطه‌ای میان کارگروه آسیب‌شناسی و تدبیرگری اجتماعی در وجه عملکردی باشد.

به‌هم‌پیوستگی سور مسَبّحات با پنج سوره دیگر (سور مبارکه مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم) نشان از ارتباط و گذر از آسیب‌شناسی به سمت رفع آسیب و ارائه راهکارهای اجتماعی دارد.

سوره مبارکه حدید، مطرح‌کننده مباحث اقتصادی و تعیین معاش زندگی به عنوان شاخصه‌های ایمان است.

سور مبارکه تغابن، تحریم و طلاق، سور خانواده هستند.

سور مبارکه منافقون، جمعه و صف، سیاسی هستند.

سور مبارکه ممتحنه و حشر به سیاست خارجی اشاره دارند.

سور مبارکه حدید و مجادله، سوره ایمان در بسترهای اجتماعی هستند.

در مجموع، پنج موضوع محوری در این سوره‌های مدنی به وجود می‌آورد که شبیه به ارکان جامعه مدنی است.

سور مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم از جهتی آسیب‌های جامعه مدنی را بیان کرده و از جهتی دیگر به ارکان جامعه مدنی توجه نموده و با بیان تحلیل اجتماعی تبیین‌گر ارکان جامعه مدنی است.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد علاقه مندان به مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی لازم است علاوه بر مطالعه آسیب‌های اجتماعی به راه‌های رفع آسیب از طریق تبیین و تحلیل شرایط و آسیب‌های ایجاد شده نیز بپردازند.



بدیهی است این مسیر به غیر از تدبّر در سوره‌های قرآن کریم حاصل نمی‌شود. لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبّر نمایند.

۲. کارگروه تدبیرگری اجتماعی

انسان در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود برای برطرف شدن موانع و مشکلات به سوی کسی گام برمی‌دارد که او را نسبت به شئون مختلف زندگی توانمند بداند.

بنابراین برای برطرف کردن نیازها و خواسته‌های خود و احیاناً دیگران به فکر چاره‌اندیشی و چاره‌جویی افتاده، سعی می‌کند امکانات و نعمت‌ها را به گونه‌ای تنظیم کند که با کمترین هزینه، بیشترین اثر را ببیند. این تنظیم و چینش که حاکی از نیروی مدیریتی انسان است، تدبیر نامیده می‌شود. در نتیجه، تدبیر به معنای مدیریت توانی است که خداوند به او و جامعه عطا کرده تا با این مدیریت فرد امکانات و نیروهای خود را با وجود آنکه مالک ذات و اثر خود نیست، به سمت خواست و رضایت الهی سوق دهد و از این رهگذر، ناگزیر یکی از دو عاقبت نیکو و احسن یا ناگوار و توأم با سختی را برای خود و جامعه رقم زند.

بنابراین انسان با توان رجوع به عالمی دانا و توانا، تصمیم و عمل خود را به سمت عاقبت در نظر گرفته شده سوق داده، مدیریت عبودیت آگاهانه را انتخاب می‌کند و با اطاعت و تبعیت از انبیاء، خود را در راستای تدبیر مدبّر هستی قرار می‌دهد و با درک درست از حقایق هستی در مسیر رشد و هدایت قرار می‌گیرد.^۱

می‌توان گفت برای تفصیلی کردن وظایف چنین فردی، ضمن شناخت نعمت‌های الهی و امکاناتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است لازم است انواع بهره‌مندی از نعمت‌ها و امکانات را شناخته و با توجه به احسن عمل، که همانا انجام بهترین اعمال در شرایط مختلف اجتماعی است، به تبیین موقعیت‌های ابراز، تأثیر عوامل مؤثر و موانع انجام عمل صالح بپردازد. در نهایت انسان می‌تواند با توجه به توان انجام عمل صالح، اثر تدبیر امور را در توسعه وجودی خود به سمت ملائکه آفرینی مشاهده کند.

مجموعه این مطالب را می‌توان در سور مکی مبارکه حامدات (حمد، انعام، کهف، سبأ، فاطر) مشاهده کرد و با تغییر و یا اصلاح بُعد اعتقادی مبتنی بر ساختار این سور مبارکه توان تدبیر گری علمی خود را ارتقاء داد.

۱.۲. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

در نقشه علوم اجتماعی این کارگروه از وجه علمی با کارگروه برنامه‌ریزی و کارگروه آسیب‌شناسی مرتبط است. چرا که پس از تبیین گام‌بندی‌های حکمی که باید اجرا شود، زمان آن می‌رسد که تدبیرهای لحاظ شده را بتوان به مرحله ابراز نزدیک کرد. بنابراین به نظر می‌رسد سور مبارکه الم، حلقه واسط مناسبی برای ورود به کارگروه تبیین‌گری اجتماعی از وجه علمی

۱ برای مطالعه بیشتر به کتاب تقدیر و تدبیر، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.



است. این دسته سور با بیان لزوم پایداری و استقامت در ارائه مؤلفه‌ها تا رسیدن به پیروزی، به لزوم برنامه مشخص برای موحد شدن، اشاره کرده و ساختاری آموزشی و اخلاقی را تبیین می‌نماید که قابلیت توسعه در سطح اجتماع را داشته باشد. و از طرف دیگر، سوره مبارکه اعراف از بُعد علمی و اعتقادی حلقه واسط گذر از مباحث تدبیرگری و ورود به مطالب آسیب‌شناسانه است. این سوره با بیان سیر زندگی انبیاء الهی و بررسی آیات مرتبط به عالم ذر و ارتباط آن با زندگی انسان، و همچنین وجه استعاده‌ای سوره و آیات مرتبط با انحرافات دینی؛ و به عنوان حلقه اتصال سور حامدات به سور آسیب‌شناسانه‌ی الر، می‌باشد.

۲.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها

از وجه عملی و ابرازی کارگروه تدبیرگری اجتماعی هم‌چنان با دو کارگروه آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی در ارتباط است. زیرا پس از ابراز آنچه باید انجام گیرد و تبیین آن برای مخاطب و تدبیرگری برای نحوه اجرا، زمان آن می‌رسد که در عمل، گام‌بندی‌ها اجرایی شوند. سور مبارکه مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم، حلقه واسط مناسبی برای گذر از کارگروه آسیب‌شناسی به سمت تدبیرگری اجتماعی است و در ادامه با تبیین مطالب، از طریق سور حج، نور و احزاب که نشان دهنده حرکت‌های منسک‌گونه اجتماعی انبیاء و جاری کردن احکام و حدود الهی در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی (خانواده) هستند؛ می‌توان وارد کارگروه برنامه‌ریزی شد.

لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبیر نمایند.

۳. کارگروه برنامه‌ریزی اجتماعی

نظم عبارتست از ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن عمل اختیاری، و برنامه‌ریزی به معنای نظم دادن و مرتب کردن اعمال در بازه زمانی و در نظر گرفتن موقعیت‌های متعدد است. البته باید در نظر داشت، برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی برای یک اجتماع است نه برنامه‌ریزی برای فرد به حیثیت اجتماعی او. لذا تقویت رفتارهای اجتماعی و نفوذپذیری بیشتر این رفتارها در این میان مهم است.^۱

از آن‌جا که سور مکی طواسین، به تحریض و تشویق مردم برای رسیدن به مرحله تثبیت ایمان در حوزه فردی و اجتماعی تأکید دارند؛ و همچنین میل و اراده انسان‌ها را به تلاش علمی و عملی برای برقراری نظام ایمانی در عالم به نحوی برمی‌انگیزاند که انسان بتواند با گام‌بندی و برنامه‌ریزی صحیح تمام وجود خود را تحت ولایت انبیاء الهی و به تبع اهل‌بیت علیهم السلام قرار دهد لذا انتخاب این سور مبارکه، از وجه رویکرد و اعتقادی جهت بررسی ابعاد برنامه‌ریزی اجتماعی مناسب به نظر می‌رسد.

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب نظم و برنامه‌ریزی در مراحل زندگی، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.



در سیر ابرازی و عملی برنامه‌ریزی اجتماعی، باید از سوری مدد گرفت که به بحث ولایت‌پذیری در جامعه مدنی پرداخته و قابلیت تدبیر امور و نظم و برنامه‌ریزی اجتماعی در سطح کلان جامعه را مورد توجه قرار دهند.

سوره مبارکه بقره با طرح مباحث نظام ولایی و امام حق و امام کفر به مباحث اصلاح و افساد و نحوه برنامه‌ریزی اجتماعی می‌پردازد و سوره آل عمران با تمرکز بر مبحث تهلیل و لا اله الا الله، نحوه و نظام تبدیل شدن به یک امت را شرح می‌دهد. بنابراین بحث ولایت‌پذیری و برنامه‌ریزی اجتماعی در جامعه مدنی از مجموع این دو سوره قابل پیگیری است. با توجه به این نکته کلیدی باید خاطر نشان کرد در برنامه‌ریزی اجتماعی، جهت تقویت رفتارهای اجتماعی و نفوذپذیری آن در اجتماع طبق ضوابط و زمان‌بندی می‌توان از دو وجه تدبیرگری و نظام‌سازی اجتماعی، از این دو سوره مدد گرفت.

علاوه بر مطالب فوق، در ادامه به نوع ارتباط این کارگروه با دو کارگروه "تدبیرگری اجتماعی" و "نظام‌سازی اجتماعی" اشاره می‌کنیم.

۱.۳. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

کارگروه برنامه‌ریزی از وجه علمی و رویکردی، حکم اصلی گام‌های برنامه‌های منظم خود را از وجه نظام‌سازی اجتماعی دریافت می‌کند. بدین معنی که تا حکمی صادر نگردد نمی‌توان برای اجرایی کردن آن اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی کرد. بنابراین وجه اتصال این کارگروه، به کارگروه نظام‌سازی در وجه اعتقادی، سوری هستند که باب اتصال به غیب و بهره‌مندی از نظام ملکوت و احکام الهی در مقدرات زندگی را باز می‌کنند.

به نظر می‌رسد سور مبارکه‌ای که با قسم به ملائکه آغاز می‌شوند از این وجه مناسب باشند. چرا که این چهار سوره (صافات، مرسلات، نازعات، زاریات) پرده از حقیقتی برمی‌دارند که کمتر در نوع جهان‌بینی و رویکرد اعتقادی انسان دیده شده است؛ و آن تأثیر نظام ملائکه و غیب، بر ظرفیت‌سازی انسان از طریق نزول رزق‌های مختلف و ارتقاء ظرفیت بشر از طریق ایجاد تغییر در سبک زندگی و پذیرش حق، و ممارست و پیروی از رسولان الهی در حاکمیت توحید است.

بنابراین می‌توان گفت مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی جهت حاکمیت ساختارها و نظامات توحیدی را می‌توان به مدد قسم‌های این سور شناسایی کرد.

این کارگروه در ادامه‌ی روند رویکردی و علمی خود باید بتواند گام‌بندی‌های برنامه‌ریزی شده را به خوبی تبیین و در سطح اجتماع تدبیر کند. لذا از این منظر نیاز به سوری دارد که بتواند با بیان لزوم پایداری و استقامت در ارائه مؤلفه‌ها تا رسیدن به پیروزی، به لزوم برنامه مشخص برای موحد شدن اشاره کرده و ساختاری آموزشی و اخلاقی را تبیین نماید که قابلیت توسعه در سطح اجتماع را داشته باشد. و بتواند به برنامه‌ریزی اجتماعی کمک نماید که در نهایت، آن‌چنان نفس خود را تذهیب و تزکیه کند که به دور از هوای نفس آماده‌ی تدبیرگری اجتماعی از راه تدبیر در قرآن شود.

سور مبارکه مکی‌الم به خوبی این موارد را در خود داشته و می‌تواند از وجه علمی حلقه اتصالی باشند که گام‌های برنامه‌ریزی شده قابلیت تدبیرگری پیدا کنند.



۲.۳. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه ها

در بُعد ابرازی و عملی این کارگروه با کارگروه تدبیرگری اجتماعی از وجهی در ارتباط است که افراد کارگروه باید بتوانند مطالب اجرایی تبیین شده را با مؤلفه ها و زمان بندی مشخص به نتیجه برسانند. و در نهایت بتوانند مسیر را به سمت حکمی که قابلیت اجرا در سطح جامعه را داشته باشد، هدایت نمایند.

سور مبارکه حج، نور و احزاب با تبیین گام های مختلف سیر منظم و مرتبط حرکت اجتماعی از جاری شدن احکام خداوند در عرصه های مختلف اجتماعی در قالب اعمال منسک گونه و در ادامه لزوم رعایت شأن رسول، مباحث خود را شروع کرده و نهایتاً به برپایی مناسک و امت سازی در جامعه مدنی از طریق رعایت قواعد و حدود الهی در کوچک ترین نهاد اجتماعی و در ابتدایی ترین روابط اجتماعی اشاره می کند. لذا می توان این سور مبارکه را به عنوان مدخل ورود حرکت عملی از کارگروه تدبیرگری به سمت برنامه ریزی، مورد تدبیر قرار داد.

کارگروه برنامه ریزی پس از فهم تبیین های اجتماعی در حیطه موضوعات مختلف در عرصه های اجتماعی، و ارائه مؤلفه ها و گام های اجرایی؛ باید بتواند از طریق حلقه واسط به سمت نظام سازی اجتماعی حرکت کند. در واقع نیاز به راه و روشی است که علاوه بر معرفی اعمال و اصول، مواجهه ها و رفتارهای اجتماعی را نظم داده و برای اجرایی شدن آن به نحوی برنامه ریزی کند که به احکام آن دسترسی یابد.

سور مبارکه محمد، فتح و حجرات، سیر منسجمی از ابراز موضع گیرانه متناسب با شرایط اجتماعی، نسبت به احکام الهی و خنثی نبودن نسبت به آن و سپس پیروزی مسلمانان به دلیل پیروی از دستورات خدا و رسول را بیان داشته و در آخر به نحوه اطاعت و ادب اجتماعی نسبت به پیشوای اسلام برای ادامه فتح های مختلف در عرصه های کارزار اجتماعی اشاره می کند.

بنابراین با بیان روند بسیار دقیقی، ابتدا با ارائه دسته بندی کلی به ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن عمل اختیاری انسان در جامعه (اعم از ایمان آوردن به احکام و دستورات الهی تا ایجاد نفاق و یا کافر شدن به آن)، اعمال و اصولی را معرفی کرده و سپس احکام دقیق مواجهه ها و رفتارهای اجتماعی را معرفی می کند.

لازم است اعضای کارگروه برای دقیق تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبیر نمایند.

۴. کارگروه نظام سازی اجتماعی

نظام سازی به معنای انجام کارهایی است که عرصه و بستر را در راه پیاده سازی امر الهی به سمت تکامل پیش می برد.^۱ بنابراین می توان گفت نظام سازی به معنای ایجاد ساختار و سازوکارهایی برای هم راستایی فراگیر، همه جانبه و مداوم با اوامر الهی است.

۱. برای مطالعه بیشتر به جلد ۱۷ کتاب روش های تدبیر، نظام سازی، اخوت، احمد رضا، مراجعه شود.



نظام‌سازی به معنای انجام کارهایی است که عرصه و بستر را در راه پیاده‌سازی امر الهی به سمت تکامل پیش می‌برد. بنابراین می‌توان گفت نظام‌سازی به معنای ایجاد ساختار و سازوکارهایی برای هم‌راستایی فراگیر، همه‌جانبه و مداوم با اوامر الهی است.

با توجه به این تعریف، لازم است اعضای این کارگروه علاوه بر توان ایجاد ساختار بتوانند حکم خداوند را متناسب با هر موضوع از سور مربوطه استخراج کنند.

سور مبارکه حوامیم با علوی که دارند کرامت‌زا بوده و قوت علمی را در فرد بالا می‌برد چرا که عظمت و شکوه بُعد علمی آن حکایت از یک نظام و ساختار منظم در عالم دارد.

از وجه عملکردی نیز اعضای این کارگروه باید بتوانند متناسب گام‌بندی‌های تدبیر شده حکم متناسب با نظام مسائل در بسترهای اجتماعی را بشناسند.

سوره مائده با طرح نظام ولایت و امامت، توضیح می‌دهد که اگر انسان‌ها در ساختار زندگی‌شان به سمت ولایت بروند؛ برای اجرایی و عملی کردن ساختار و نظام الهی می‌توانند سبک زندگی خود را در مسائل مختلف بر مدار احکام الهی تنظیم کنند.

این کارگروه از وجه علمی و عملی با کارگروه برنامه‌ریزی مرتبط است. چرا که برای جاری شدن جریان علم لازم است حکم خدا متناسب هر موضوع، مؤلفه‌بندی و منظم شود.

۴.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

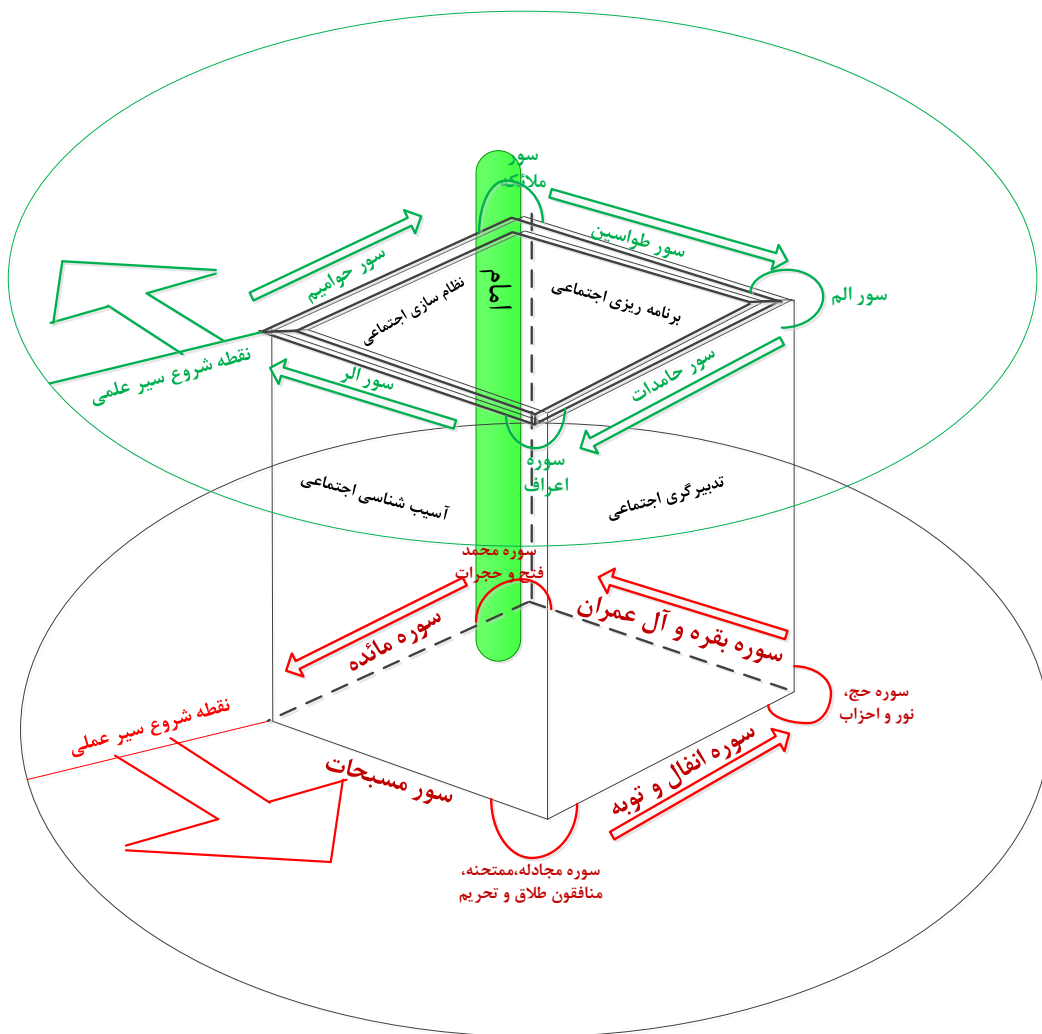
به نظر می‌رسد سور ملائکه (صافات، مرسلات، نازعات و ذاریات) با رویکرد تأثیر نظام ملائکه و غیب، بر ظرفیت‌سازی انسان از طریق نزول رزق‌های مختلف و ارتقاء ظرفیت بشر بوسیله ایجاد تغییر در سبک زندگی و پذیرش حق، و ممارست و پیروی از رسولان الهی در حاکمیت توحید رابط مناسبی بین دو کارگروه نظام‌سازی اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی است.

۴.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها

کارگروه نظام‌سازی از وجه عملکردی نیز با کارگروه برنامه‌ریزی در ارتباط است. زیرا برای عملی کردن مؤلفه‌های برنامه‌ریزی شده اعضای کارگروه نهایتاً باید به حکم الهی دسترسی پیدا کنند.

سور فتح و محمد و حجرات، با ارائه سیر پدیدار شدن عمل اختیاری انسان در جامعه، اعمال و اصولی را به نحوی معرفی می‌کند که می‌توان احکام دقیق مواجهه‌ها و رفتارهای اجتماعی را نظم داده و برای اجرایی شدن آن برنامه‌ریزی کرد. از همین رو می‌توان گفت این سه سوره از وجه عملکردی، حد وصل برنامه‌ریزی اجتماعی و نظام‌سازی اجتماعی است.

لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبیر نمایند.



شکل ۷- نقشه کعبه شامل سیر علمی و سیر عملی



فصل سوم

عرصه های اجتماعی

رخدادهای زندگی انسان در بسترهای مختلفی جاری می‌شوند، بسترهای وقوع رخدادهای زندگی را به نام عرصه می‌شناسیم. بنابراین برای عرصه‌یابی باید رخدادها را در بستر وقوع آنها مشاهده کرد.

هر بستری به نسبت دوری یا نزدیکی از حق، دارای مرتبه می‌شود. به این ترتیب می‌توان مراتبی از عرصه‌های نزول حق را در سه عنوان هستی (از امر تا تکوین هستی و خلق انسان)، انسان (سیر رشد انسان در مراحل مختلف) و جامعه (وضعیت هویت جمعی انسان) طبقه‌بندی کرد.

◀ می‌توان برای هستی عرصه‌های زیر را در نظر گرفت: اسماء الهی؛ عرش و کرسی؛ ملائکه و وسائط؛ قضا‌های رانده شده؛ طبیعت و آیات تکوینی.

◀ همچنین برای انسان نیز عرصه‌های جزئی به صورت زیر قابل تأمل است: دریافت‌ها از طریق حواس؛ گزاره‌های استنادی بر اساس تعقل؛ علم؛ ایمان؛ توجه؛ فعل و صفات؛ اعمال؛ نتایج اعمال.

◀ برخی از بسترها مربوط به حیات جمعی انسان است مانند خانواده، حاکمیت، جامعه و... که در آن رخدادهای اجتماعی رخ می‌دهد.^۱

بسترهای فردی محل وقوع رخدادهای درونی‌تر است، و بسترهای اجتماعی محل وقوع رخدادهای عینی‌تر؛ لذا جامعه بستر وقوع رخدادهای اجتماعی است.

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب عملیات‌سازی، اخوت، احمدرضا، درس هفتم، ص ۲۸۰ مراجعه شود.



از آنجا که در نقشه حاضر فعالیت عرصه های اجتماعی متناسب با کارگروه ها مدنظر است و هر عرصه ای اجتماعی شامل رخدادهای مختلف می باشد؛ با توجه به چرخه علم و عمل که پیش تر ذکر شد (همه عرصه ها بخش علمی و عملی دارند) در ادامه عرصه های اجتماعی در یک دسته بندی جامع به سه سطح کلان، میانه و خرد تفکیک می شود.

۱. سطوح کلان: سیاست گذاری و نظام سازی

در سطح کلان، مطالب پایه ای از منظر چستی، چرایی و چگونگی مورد بررسی و تبیین قرار می گیرد. در این سطح، موضوعات اساسی و بنیادی ترسیم می شود و امکان شناخت نسبت به موضوع فراهم می گردد در نتیجه به یک نظام و ساختاری خواهد رسید.

۲. سطوح راهبردی و میانه:

طبیعتاً هر یک از موضوعات بنیادی از مجموعه ای از موضوعات جزئی تر پدید آمده که ارتباط منسجم و نظام مند میان این اجزاء، امکان تحقق موضوعات پایه ای و اساسی را فراهم می نماید. بر این اساس سطوح میانه در مقام بررسی و تبیین این موضوعات قرار دارند که اساساً به دلیل جزئی تر بودن به حوزه عمل نزدیک تر می باشند.

۳. سطوح خرد:

سطحی است که به مهارت و فعالیت های علمی جهت تحقق و پیاده سازی سطح میانه در رخدادهای زندگی کمک می کند.





از آنجا که انتخاب عرصه به شرایط فرد، توان و استطاعت او بستگی دارد، لذا قلمرو عرصه می‌تواند وسیع و یا کوچک در حد یک خانواده باشد و موضوعات عرصه می‌تواند متعدد یا کم انتخاب شود.

عرصه‌ها را می‌توان به گونه‌های مختلف از هم تفکیک کرد و دانش و توان خود را در آن‌ها جستجو نمود:

- ❖ برخی انسان محورند؛ یعنی بر توان‌ها و شناخت‌های درونی انسان تکیه دارند.
مانند حوزه تعلیم و تربیت، اخلاق، روانشناسی و ...
- ❖ برخی جامعه محورند؛ یعنی بر داد و ستدها و روابط و نقش‌ها تکیه دارند.
مانند حوزه خانواده، اخلاق اجتماعی، جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد و ...
- ❖ برخی حاکمیت محورند؛ یعنی بر امر و نهی‌ها و سطره‌ها و قواعد حکومتی تکیه دارند.
مانند فقه، سیاست، مدیریت و ...
- ❖ برخی بر خلق اثر و ابداع اشیاء و ایجاد دستاورد تکیه دارند؛ مانند صنعت، عمران، فن‌آوری و ...
- ❖ برخی بر کشف حقایق پدیده‌ها، بر سطره یافتن بر آن‌ها دلالت دارند.
مانند محیط زیست، زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک، ریاضی و ...
- ❖ برخی بر کشف حقایق انسان به عنوان پدیده و سطره بر پدیده‌های نفع و ضرر رسان بر او تکیه دارند.
مانند پزشکی، تغذیه، داروسازی و ...
- ❖ برخی بر مهیاکننده‌های زندگی مادی و معنوی تکیه دارند.
مانند کشاورزی، باغبانی، کتاب‌داری، نشر، نویسندگی و ...
- ❖ برخی بر شهادت و گواه بودن بر همه یا برخی عرصه‌ها و رصد آن‌ها تکیه دارند؛ مانند قضاوت، تبلیغ، رسانه و ...
- ❖ برخی بر حمایت و پشتیبانی از دیگران تأکید دارند؛ مانند پرستاری، انواع مشاغل خدمت‌رسان و ...
- ❖ برخی ...

با توجه به مطالب فوق، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- برخی مشاغل نمی‌توانند در بیش از یک عرصه حضور داشته باشند.
 - برخی از بسترها مانند بستر خانواده، محل تلاقی چندین عرصه است، ولی عرصه داد و ستد در آن پررنگ‌تر می‌باشد که باید به عنوان اصل تلقی شود.
 - برخی از عرصه‌ها را همه افراد باید به صورت تخصصی به آن بپردازند مانند عرصه شناخت انسان؛ ولی برخی باید در آن مجتهدانه‌تر ورود پیدا کنند.
- هر انسانی به طور طبیعی از همه عرصه‌ها بهره می‌برد و باید بتواند حداقل در یکی از آن‌ها صاحب اثر و تولید و ثمربخش باشد. برای بهره‌وری از عرصه‌های مختلف، برقراری ارتباط و داشتن روابط اجتماعی، ضروری است.



بدیهی است متخصص عرصه که متعهد به موازین اسلامی و قرآنی است و تمایل دارد بر اساس آموزه های قرآنی در عرصه تخصصی خود فعالیت نماید، لازم است بایسته های عرصه تخصصی را از قرآن کریم استخراج کند.

بنابراین چنانچه خود به نظام موضوعات سور مبارکه قرآن کریم مسلط نباشد، باید به عالم و فردی آگاه با نظام موضوعات قرآن کریم مراجعه کرده و بعد از مشخص نمودن سور مربوطه، نقشه راه خود را از قرآن کریم استخراج نماید.

جهت ادامه مسیر طی کردن مراحل زیر ضروری است:

- انتخاب سوره (و یا دسته سوره) مکی و مدنی
- مطالعه و بررسی سور انتخاب شده متناسب با عرصه تخصصی
- طراحی نقشه راه مطابق سور مطالعه شده
- تبدیل و تطبیق نقشه سوره با عرصه تخصصی
- گام بندی اجرایی بر اساس نقشه به دست آمده
- ورود به قسمت اجرایی



فصل چهارم

روابط و تعاملات در عرصه های اجتماعی^۱

تمام بسترهای زندگی متشکل از تعامل و ارتباطات عده ای از مردم با یکدیگر است. این تعاملات و ارتباطات بر اساس دست یابی به مقاصد و رفع نیازهای مشترک صورت می پذیرد.

چنانچه افراد تصمیم بگیرند ارتباطات و تعاملات اجتماعی خود را بر اساس باید نباید و احکام الهی سامان دهند، با عرصه های اجتماعی موحده ای مواجه هستیم که روابط و تعاملات در درون این عرصه ها دارای سطوح متفاوتی است و قوانین ارتباطات اجتماعی متناسب با این سطوح تعیین می شود.

در این فصل لازم است برای بررسی ربط حقیقی در هستی، ابتدا به مسائل و موضوعاتی که دارای ربط حقیقی اند و سپس موضوعات و مسائلی که دارای ربط غیر حقیقی اند، توجه کرد؛ و در ادامه، علاوه بر ارائه تعریفی از ربط و ارتباط، به بیان مؤلفه های سطوح ارتباطات اجتماعی در عرصه های مختلف بپردازیم.

حقیقت ربط در هستی

ربط به معنای وابستگی به حالتی گفته می شود که قوام شیئی به شیء دیگر باشد. ربط حقیقی در هستی مربوط به وابستگی موجود به وجود یا وابستگی موضوع به حقیقت است. سایر ربطها هم، اعتبار خود را از این ربط می گیرند.

۱. برای تفصیلی شدن مطالب این فصل می توان به کتب روایی (به طور مثال رساله حقوق امام سجاد علیه السلام) و کتب تخصصی مانند کتاب هنر خوب زیستن با دیگران، (اخوت، احمد رضا)؛ دوره های رشد تفکر اجتماعی جلد ۴ (اخوت، احمد رضا)؛ اصول و مهارت های بلوغ باهم بودن (اخوت، احمد رضا) مراجعه کرد.



با توجه به مطالب فوق :

۱. مسائل و موضوعات، هست و نیست‌ها یا باید‌ها و نبایدهایی که به وجود و هست و یا حقیقت وابستگی تام دارند (به این معنا که اعتبار بودن‌شان را از حقیقت می‌گیرند) مسائل و موضوعاتی هستند که دارای ربط حقیقی‌اند.
۲. مسائل و موضوعاتی که در کنار حقایق نشو و نما دارند، اصل با عدم آن‌هاست و جلوه‌ای از حقیقت به خود می‌گیرند ولی فاقد هرگونه حقیقتی هستند موضوعات و مسائلی‌اند که دارای ربط غیرحقیقی‌اند.

رابطه‌های اجتماعی

در زندگی اجتماعی، نیازها و مقاصد، انسان‌ها را به انواعی از رابطه‌های میان یکدیگر هدایت می‌کند. زیرا هر نقصی می‌تواند بروزاتی از خود داشته باشد که این بروزات می‌تواند عامل ارتباط میان افراد با یکدیگر باشد. نیازها و مقاصد از یک سو و نقش‌های دیگران از سوی دیگر عامل اتصال میان انسان‌هاست.

منظور از رابطه‌های اجتماعی، وابستگی‌هایی است که بین افراد جامعه با فراهم شدن اقتضائات جبلی یا اعتباری به وجود می‌آید. این وابستگی‌ها ممکن است بر مبنایی درست و یا بر مبنای نادرست شکل بگیرد.

خداوند به انسان اذن داده تا بر اثر اقتضائات جبلی، مانند روابط خانوادگی و اقتضائات اعتباری، مانند مسئولیت‌ها و مشاغل اجتماعی زمینه‌ساز رابطه‌ها قرار گیرند.

رابطه‌های مختلف با انگیزه‌های مختلف و بر اساس نیازها و مقاصد مادی، عاطفی، شناختی، معنوی و ... شکل می‌گیرد.

انواع رابطه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف

نسبت‌های هر فرد یا جمعی به نسبت دیگران، به اذن الهی، رابطه‌ی آن‌ها را رقم می‌زند. این نسبت‌ها بر مبنای ربط حقیقی آن‌ها به وجود و هست تعیین می‌شود و به واسطه توان فطری او قابل تمایز است.

عرصه‌های اجتماعی محل وقوع رخداد‌های مختلف زندگی هستند و هر رخدادی از تعامل انسانی با دیگران سامان یافته است. در واقع تعاملات اجتماعی است که می‌تواند نیازها و مقاصد را ساماندهی کند.

در ساماندهی روابط گاهی لازم است فردی با جمعی و جمعی با فردی و فردی با فرد دیگر، رابطه دوستی یا دشمنی داشته باشد و از این رهگذر، با هم داد و ستدی مادی یا معنوی را برقرار نمایند.

با توجه به مطالبی که از ابتدا بیان شده است، برای ورود به عرصه‌های مختلف اجتماعی و در مواجهه با رخداد‌های اجتماعی ناگزیر به ایجاد رابطه‌هایی با شئون مختلف خواهیم بود.

این نکته را باید مد نظر قرار داد که نقشه علوم اجتماعی نمی‌تواند یک سازه و یا دستگاه فکری خاص، فارغ از انواع روابط و تعاملات اجتماعی باشد؛ لذا در ادامه روند، نیاز به بررسی متقابل روابط و تعاملات در عرصه‌های اجتماعی است. از این رو



لازم است در تعاملات خود با دیگران به شئون مختلف افراد توجه داشته باشیم و برای هر شأنی، ویژگی‌ها و حدود و حقوق خاصی باید در نظر گرفت.

برای تفصیل روابط لازم است به موضوعاتی همچون رتبه، شئون و ویژگی، نیازها و مقاصد، مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و محبت و پیوند توجه کرد و برای هر یک حقوقی که از جانب خدا معین شده را دانست و به آداب بروز هر یک طبق سیره رسول گرامی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام عمل کرد.^۱

نباید فراموش کرد، اگر رابطه‌ای مورد تایید خداوند باشد، آن رابطه حقیقی و اگر نباشد یا نسبت به آن از غیر خدا عنوانی دریافت شود، رابطه غیر حقیقی خواهد بود.

امید است با پیاده‌سازی قوانین الهی در عرصه‌های موحدانه شاهد تحولی در نظام مسائل و نیازها و نیز توسعه قلمروها باشیم.

۱. جهت مطالعه انواع تفصیل روابط به ضمیمه شماره ۲ مراجعه شود.



خاتمه

هر کارگروه با محوریت یکی از اذکار تسبیحات اربعه یک کعبه را تشکیل می دهند با محوریت امام. بنابراین ما با سیر:

شکل گیری امت،

سیر شکوفایی امت،

استقرار امت،

رشد امت

به ترتیب:

در دور علم و عمل

سبحان الله: سور الر / سور مسبحات

الحمد لله: سور حامدات / سوره انفال و توبه

لا اله الا الله: سور طواسین / سوره بقره و آل عمران

الله اکبر: سور حوامیم / سوره مائده

مواجه هستیم.





به این ترتیب:

ما نیاز به افرادی داریم که اعتقادات، باورها، صفات، خلیات آن‌ها توحیدی و طیب و بر مدار حُسن باشد.

به دور از هرگونه افراط و تفریط.

و این مهم محقق نمی‌گردد مگر به نور علم.

و علم چون چراغی است برکنار زنده ظلمت‌ها و تیرگی‌ها

و می‌برد، و می‌زداید آن‌چه که نباید باشد.

و چون انسان موحد منور شد به نور علم،

عالمی است مؤمن، که امنیت‌بخشی او می‌تواند سراسر عالم را به احسن‌الحال هدایت کند.

و علم عطاشدنی است،

به میزان جهد مجاهد.

و استجاب‌شدنی است،

به میزان دعای دعا کننده.

فلذا چه فرق دارد آن انسان که باشد،

کجا باشد،

و چگونه عالم شده باشد.

مهم عمل بر اساس علم است.

صالح، محسنانه، خالصانه.

و آن حرکت بر مداری است که باید.

و برای دست‌یابی به آن باید آماده شد به همان طریق که باید و آن را گویند به همان صورت که باید.

و دور اول شناخت است

و دوم تعریف آن

و سوم تعیین حدود آن



چهارم بایسته‌های آن. چگونگی به کارگیری، قوانین

پنجم آسیب آن

ششم رفع آن

و هفتم عمل به آن

و چون کامل شد، عالمی به اطاعت در زمان و مکان، که باید.

تا به فعلیت در آوری آنچه که امر شود.

و جامه عمل بر اندامش بپوشانی.

و آن نیست، مگر در پرده غیب.

که چون به در آید منور شود همه آنچه اقتضای آن را داشته.

و دیگر همه ظلمت است و نابود.

بنابر این مطالب

علت داشتن نقشه، جایگاه آن، کارکرد آن، و اجرای آن

در قبل ظهور است.

و افرادی که لازم است در اجرای آن باشند.

و همه آن، تازه آماده شدن برای بعد از ظهور است ...

یعنی این نقشه، نقشه آماده‌سازی نیروها برای ذخیره است

و نه نقشه اصلی

طراحی و تدوین نقشه

۸ اسفندماه ۱۳۹۸

مصادف با شب لیلة الرغائب ۱۴۴۱

ویرایش دوم

۱۰ مهر ماه ۱۴۰۲

مصادف با شب ولادت حضرت ختمی مرتبت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۴۴

سوره های مکی - سیر شناختی / علمی	
سور حوامیم (غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه، احقاف)	هر یک از سور حوامیم در مورد موضوعات خاصی در حوزه استقرار کتاب در هستی، و در نظام اجتماعی و فردی انسان بحث می کنند. غرض مشترک این سور بیان ساختار وجودی هستی و انطباق آن با ساختار وجودی انسان و جامعه است. در هر یک از این سوره ها با محوریت وحی و رسول به جنبه های مختلفی از این ساختار توجه می شود. این هفت سوره به عنوان تاج قرآن، به بررسی حاکمیت و فراگیری دین و وحی؛ از طریق انطباق ساختار حکومتی با ساختار هستی، انسان و جامعه پرداخته اند. سوره مبارکه غافر، بیان کننده مفهوم ایمان و اتصال به عالم غیب و ملائکه است و از مؤمنی صحبت می کند که به سبب اعتقادات بسیار قوی در برابر طوفان های حوادث و مشکلات و فتنه ها نمی شکنند. سوره مبارکه فصلت، بحث زکات را به عنوان مؤلفه ای نام می برد که نشان از نظام اختیار و توان فهم درست از نادرست دارد. و آن را عاملی برای جدا کردن مشرک از مؤمن بیان می کند. و در ادامه با طرح شهادت اعضای بدن علیه خود انسان، او را به جایی می رساند که بفهمد خدا بر همه چیز شهید است. بنابراین سوره برای انسانی که کمبود خشیت دارد، مناسب است به نحوی که تعینات فرد را برطرف می سازد و به او نشان می دهد که چگونه خدا بر همه چیز شهید است. سوره مبارکه شوری، سوره وصف ها و صفات امامت است. انسان مؤمن این سوره نیز شریعت خواه است. این سوره مبارکه با بیان ویژگی های وحی و کیفیت آن، انسان را به مرتبه امام خواهی می رساند. سوره زخرف، سوره ای درباره ی بسترهای زندگی، ماهیت دنیا، و نظر خداوند راجع به توجه به دنیا است و آن را برای مؤمن نمی پسندد. سوره مبارکه دخان، با طرح بحث زمان و وحی، اشاره به حقیقت شب قدر دارد که همه مقدرات در دست امام است. سوره مبارکه جائیه، ساختار انسان را تبیین می کند. سوره مبارکه احقاف راجع به فلسفه حیات و سیر حیات، مراتب حیات صحبت می کند. سور مبارکه حوامیم، با علوی که دارند، کرامت زا بوده و قوت علمی و عملی را در فرد بالا می برد چرا که عظمت و شکوه بعد علمی آن که حکایت از یک نظام و ساختار منظم در عالم دارد که تنها همراه با نظام عملکردی آن معنا پیدا می کند. نهایتاً می توان این گونه جمع بندی کرد که غرض مشترک این سور بیان ساختار وجودی هستی و انطباق آن با ساختار وجودی انسان و جامعه است. در هر یک از این سوره ها با محوریت وحی و رسول به جنبه های مختلفی از این ساختار توجه می شود.



سور ملائکه (صافات، مرسلات، نازعات و ذاریات)	در آغاز سورِ صافات، مرسلات، نازعات و ذاریات؛ به ملائکه و کارکرد و صفات آن‌ها سوگند یاد شده است. سوره صافات با قسم به ملائکه‌ای که به فرمان خدا صف‌آرایی کرده‌اند، و ملائکه‌ای که بازدارنده از گناهان هستند و ملائکه تلاوت‌کننده کتاب‌های خداوند آغاز می‌شود. غرض اصلی این سوره، تنزیه خداوند و سلام بر مرسلین و بیان پاداشی است که به سبب ممارست ایشان در حق و رفتار نیک ایشان عطایشان می‌شود. علاوه بر آن ضمن بیان گزارشی از شرایط و احوال بهشت و جهنم، درصدد یافتن علت ورود به آن است. از طرفی دیگر سختی‌هایی که انبیاء برای هدایت بشر متقبل شدند را یادآور می‌شود. سرانجام در چند آیه کوتاه پیروزی لشکر حق را بر لشکر کفر و شرک و نفاق بیان می‌دارد. موضوع اصلی سوره مبارکه ذاریات، تقسیم امر است؛ که یکی از مصادیق آن رزق‌های الهی است. درواقع انسان ظرفیتی پیدا می‌کند که متناسب آن، رزق‌های خاص به او داده می‌شود. بنابراین آیات این سوره، از وجه اعتقادی اشاره به تأثیر اعمال انسان در اتصال به غیب و تقسیم امر و رزق‌های الهی دارد. لذا انسان تعیین‌کننده سرنوشت و رزق خود است. در نتیجه می‌توان گفت از یک طرف ظرفیت انسان تعیین‌کننده رزق‌ها و تقسیم امر است، و از طرفی دیگر ظرفیت انسان به اعمال و افعال او مرتبط است. بنابراین اعمال و رفتار انسان ظرفیت-ساز و تعیین‌کننده ظرفیت انسان برای دریافت رزق‌های الهی اعم از مادی و یا معنوی و روحانی است. عدم توجه به آخرت‌گرایی تنگ‌کننده رزق و توجه به آخرت افزایش دهنده رزق است. در سوره مرسلات، سخن از القای ذکری آمده است که می‌تواند اتمام حجت کند و یا از طرفی رشد ایجاد نماید. قسم‌های سوره نازعات نیز نشان از تغییر سبک زندگی دارد. اینکه عامل اصلی تغییر سبک زندگی انسان چیست. در مجموع، این پنج سوره پرده از حقیقتی برمی‌دارد که کم‌تر در نوع جهان‌بینی و رویکرد اعتقادی انسان دیده شده است؛ و آن تأثیر نظام ملائکه و غیب، بر ظرفیت‌سازی انسان از طریق نزول رزق‌های مختلف و ارتقاء ظرفیت بشر از طریق ایجاد تغییر در سبک زندگی و پذیرش حق، و ممارست و پیروی از رسولان الهی در حاکمیت توحید است.
--	---



سور طواسین (شعراء، نمل و قصص)	با بررسی سور طواسین درمی یابیم، ایمان مؤلفه اصلی میان این سور است، که دارای سه بخش است. بخش مقدمه ای: شامل تمام نعمت ها و توان هایی است که خداوند به انسان عطا کرده تا ضمن شناخت منعم به شکرگزاری در برابر او اقدام نماید. بخش اصلی: موضوعات زمینه ساز ایمان مانند "علم" و "یقین" که اعمال و صفات انسان بر اثر آن تثبیت می شود و بروز ایمان ثمره این تثبیت است. بخش نتیجه ای: غایت جریان تداوم ایمان. بنابراین با توجه به ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن ایمان که عملی اختیاری است و برنامه ریزی و مرتب کردن اعمال در طول زندگی انسان؛ مبتنی بر بررسی موانع ایمان آوردن (سوره شعراء)، بررسی سیر رشد صفت ایمان (سوره نمل)، چگونگی مؤمن شدن و مؤمن ماندن (سوره قصص). می توان گفت سور طواسین به تحریض و تشویق مردم برای رسیدن به مرحله تثبیت ایمان در حوزه فردی و اجتماعی تأکید دارند. و میل و اراده انسان ها را به تلاش علمی و عملی برای برقراری نظام ایمانی در عالم به نحوی بر می انگیزاند که انسان بتواند با گام بندی و برنامه ریزی صحیح تمام وجود خود را تحت ولایت انبیاء الهی و به تبع اهل بیت علیهم السلام قرار دهد. لذا انتخاب این سور مبارکه جهت بررسی ابعاد برنامه ریزی اجتماعی مناسب به نظر می رسد.
سور الم (عنکبوت، روم، لقمان و سجده)	سوره مبارکه عنکبوت سوره جهاد، صبر و مقاومت است و تنها فردی می تواند در این سه حوزه موفق باشد که در بعد اعتقادی دارای بینه بوده و از بعد اعتقادی محکم و توحیدی باشند. سوره مبارکه روم با بیان آیاتی در حوزه تفکر، سیر در زمین، توجه به آیات الهی و فطرت؛ اشاره به اصل مهمی دارد و آن نحوه بهره مندی از نظم جدید جهانی در یکپارچگی جهان اسلام تا رسیدن به پیروزی نهایی است. در واقع این سوره با اشاره کردن به لزوم دین داری متفکرانه، عاقبت گرایانه و باطن گرایانه وعده پیروزی مستضعفان بر مستکبران را داده و آن را جزء لاینفک نظام دینی می داند. بنابراین برای سهیم شدن انسان متدین در این وعده، لازم است علاوه بر سطحی نبودن دین داری، از پراکندگی اجتماع مؤمنین جلوگیری شود. سوره مبارکه لقمان با ارائه نظام آموزشی و اخلاقی، قصد داشتن و قصد دار کردن انسان ها را محوری ترین موضوع در این نظام آموزشی مطرح می کند و آیاتش دلالت بر این دارد که لازمه موحد بودن داشتن یک برنامه ریزی آموزشی و اخلاقی است. سوره سجده به عنوان سوره عرفان قرآن به مبحث لقاء الله و تزکیه و تذهیب نفس پرداخته و شاخص خلوص عبودیت است. سخن از فردی می کند که اراده اش را به اراده خدا پیوند زده و در عبودیت خالص شده است.



در مجموع می‌توان گفت سور الم مکی، با سوره عنکبوت و مبحث جهاد، مقاومت و گذر از فتنه‌های زندگی شروع شده و با تصویرسازی پیروزی وعده خداوند در عرصه‌های مختلف زندگی؛ استقراری برای موحد ایجاد می‌کند و در ادامه سوره مبارکه لقمان، با بیان لزوم برنامه‌ریزی برای موحد شدن، نظام آموزشی و اخلاقی آن را تبیین کرده و توسعه می‌دهد. و در آخر با سوره سجده اعلام می‌دارد چنین موحدی که در عرصه‌های اجتماعی با برنامه‌ریزی اخلاقی و آموزشی، صبر و مقاومت و ایمان به وعده‌های خدا، فتح را نصیب خود کرده؛ همان فردی است که نفس خود را تذهیب و تزکیه کرده و به لقاء الله رسیده و همواره درحال عبودیت خداوند است.	
سوره مبارکه حمد، زندگی انسان هدایت شده را از جهت‌گیری‌های گمراهان و غضب‌شدگان جدا کرده و عبودیت خالصانه را با استعانت از اسم خداوند و درک مقام حمد معرفی می‌کند. سوره مبارکه انعام، توحید را از منظر نفی شرک مطرح می‌کند. سوره خروج انسان از شرک و سوره فطرت است. این سوره اعلام می‌کند از طریق عناصر ساختار وجودی انسان، می‌توان از شرک خارج شد. تمرکز اصلی سوره مبارکه کهف، بر روی عمل صالح یا همان احسن عمل و تبیین موقعیت‌های ابراز، تأثیر عوامل مؤثر و موانع انجام آن است. این سوره نشان می‌دهد که قلمروی عمل صالح می‌تواند متناسب انسان‌ها و باورهایشان متفاوت باشد. سوره کهف، با بیان چهار نمونه عمل صالح از چگونگی جاری شدن نور عمل صالح در زندگی پرده بر می‌دارد. داستان اول، اصحاب کهف است و پیدایش عمل صالح. که با داستان برائت ایشان از کفر می‌توان معنای عمل صالح را فهمید. دومی داستان باغ و آسیبی است که می‌تواند به عمل صالح وارد شود. و به صراحت اعلام می‌کند، حفظ عمل صالح مهم است. سومی، داستان موسی و خضر، که به مختصات و مرتبه عمل صالح و این حقیقت اشاره دارد که با مرتبه‌بندی انسان، عمل صالح متمایز می‌شود. و چهارمی، داستان ذوالقرنین است که به بیان توسعه عمل، وسیع شدن دید برای انجام عمل صالح اشاره می‌کند. سوره کهف سوره افراد مضطربی است که در بسترهای زندگی در صدد احکام و بایسته‌های اعتقادی انجام عمل صالح هستند. سوره سبأ، یک سوره درونی است. بحث استضعاف و استکبار را توصیف و تبیین می‌کند و به صورت خاص به بحث ملائکه می‌پردازد و حمد خدا در آخرت را مطرح می‌کند. سوره فاطر، به توان و وسعت انسان در ملائکه‌آفرینی، از طریق انجام عمل صالح اشاره دارد. بنابراین می‌توان گفت در سوره انعام، بحث نامساوی بودن ابعاد اعتقادی توحید و شرک تبیین می‌شود و در سوره کهف انواعی از آن نام برده شده و در سوره سبأ نامساوی‌ها نشان داده شده و در سوره فاطر فهم آن‌ها از طریق عقل مطرح می‌شود.	سور حامدات (حمد، انعام، کهف، سبأ و فاطر)



در مجموع سور حامدات با سوره مبارکه حمد که بحث استعانت انسان از خداوند و عبودیت اوست شروع شده و در ادامه به تبیین نامساوی بودن اعتقادات توحیدی و مشرکانه، از منظر ساختار وجودی انسان می‌پردازد. و سپس به وجود ساختار ملک‌آفرینی و ملک‌گونه این نامساوی‌ها در انسان، که همانا عقل است؛ اشاره دارد.	
سوره اعراف با طرح مباحثی در مورد انبیاء الهی، ضمن بیان تمایز میان زندگی انبیاء به سیر فرآیند رشد بشر اشاره دارد. علاوه بر آن با بررسی آیات مرتبط به عالم ذر می‌توان با لایه باطنی از زندگی انسان در دنیا و هستی آشنا شد. در مجموع این دو نوع نگاه اعتقادی، از طرفی نیازمند تدبیر و تدبّر یا به اصطلاح تدبیرگری در عرصه‌های زندگی است و از طرفی با توجه به وجه استعاده‌ای سوره و آیات مرتبط با انحرافات دینی؛ باید به وجه آسیب‌های اجتماعی در بعد اعتقادی نیز توجه داشت. بنابراین می‌توان گفت از بُعد علمی و اعتقادی حلقه واسط گذر از مباحث مدیریتی و ورود به مطالب آسیب‌شناسانه در عرصه اجتماع، نیازمند نگاه تدبّری به سوره مبارکه اعراف است.	سوره اعراف
سور الر، بیان‌کننده نقش آیات در زندگی فردی و اجتماعی انسان و نحوه چگونگی برخورد با آیات است. در این راستا به منشأ، اصل، جریان و نتایج نزول آیات و صفاتی که در اثر آن در عالم تجلی می‌یابد اشاره می‌کند. در این راستا ضمن بیان صفت بارز اولوالالباب که ثمره شناخت و رفتار مثبت نسبت به آیات است؛ به بیان ویژگی‌های شناختی و رفتاری مربوط به موضع‌گیران با وحی، کتاب و انبیاء و تبعات آن، می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت سور مکی الر از منظر پرداختن به انواع آسیب‌های اعتقادی پایه و نحوه درمان آن قابل بررسی است. سوره یونس، با پرداختن به موضوع آیات، کتاب و حق، گزاره‌های عقلی ارائه می‌دهد و انداز را فراهم‌کننده زمینه رشد و شکوفایی انسان می‌داند. در سوره هود، وجه اَمّت بارز است و فرد با استغفار و توبه و عبودیت رشد می‌کند. سوره یوسف، به عنوان تنها سوره‌ای که منحصرأ به داستان یک پیامبر اشاره دارد؛ به بیان تأثیر تقویت ایمان در هدایت می‌پردازد و نشان می‌دهد شرط بهره‌مندی از هدایت و رحمت ایمان و شرط استفاده از عبرت، گُلب است. در واقع مسائل روان‌شناسانه، حقوقی، جامعه‌شناسی و... را اولوالالباب‌ها می‌توانند استخراج کنند. سوره مبارکه رعد، با توصیف حق، به اهمیت گُلب اشاره داشته و آیات احکامی این سوره حکایت از توصیف حق و ارتباط آن به زندگی انسانی دارد که از گُلب استفاده کرده و حق را در زندگی جاری می‌سازد. سوره ابراهیم، از کتابی سخن می‌گوید که انسان را از ظلمات به سوی نور خارج می‌کند و به سبب این نعمت لازم است شکرگزاری شود. در این سوره، جریان حق و باطل به عبادت تبدیل شده و نام منسک به خود می‌گیرد. سوره مبارکه حجر، در مورد خود رسول الله و دائمی شدن قرآن و جاری شدن جریان حق در عالم است.	سور الر (یونس، هود، یوسف، ابراهیم و حجر)



سوره های مدنی - سیر عملی / اجرایی	
سور مسبّحات	با مطالعه و بررسی این سور این گونه به نظر می رسد که در سور مسبّحات، ضمن اینکه اسماء الهی دارای جایگاه بارز و آشکاری در محتوای سوره هستند؛ به صورت مشهودی هر پنج سوره به آسیب هایی اشاره دارد که به صورت روزمره می تواند یک جامعه توحیدی را گرفتار کند. سوره حدید، با بیان بحث های اقتصادی، تدارکاتی و تأمین معاش زندگی؛ سوره حشر، با مطرح کردن بحث برادری، خواهری و تنظیم روابط داخلی و خارجی؛ سوره صف و سوره جمعه با ارائه مباحثی پیرامون جهاد، تعلیم و تزکیه، آمادگی نظامی و آمادگی فرهنگی؛ و نهایتاً سوره تغابن، با طرح مسائل و نظام خانواده، پنج رکن اساسی جامعه مدنی هستند که به آسیب شناسی جامعه مدنی می پردازند. در واقع می توان گفت مجموعه این سوره ها، حالات مختلف آسیب های جدی جامعه توحیدی بررسی شده است. بنابراین وجوه مشترک سوره ها بر دو جنبه وجه اسماء الهی به عنوان راه درمان و نجات، وجه انواع روش های مقابله با استمرار و استقرار حکومت جامعه ایمانی قرار می گیرد. که با بررسی اسماء الهی می توان خلاءهای فکری یک جامعه را بررسی کرده و برای درمان آسیب ها از اسماء الهی مدد گرفت.
سوره های مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم	این دسته سوره در میان سور مسبّحات قرار گرفته اند و با آن ها در ارتباط هستند. سوره مجادله، با بیان مسائل در سه حوزه خانواده، برادری و ارتباطات، مسائل سیاسی و احکام دین؛ مهم ترین مسئله را عدم پیوند با افرادی بیان می دارد که با رسول الله دارای زاویه و عدم اتفاق نظر هستند. اعم از منافقین و کفار. موضوع اصلی در سوره مبارکه ممتحنه، برائت از دشمنان است و به نقش مسئله زن در ارتقاء و یا افول جوامع می پردازد. سوره مبارکه منافقون، غفلت از آخرت را علت اصلی نفاق و منافق شدن انسان دانسته و خصوصیات منافق را نام می برد. سوره مبارکه طلاق، شروط موفقیت در زندگی را بیان کرده است و آیاتی که بیشتر قالب شرطی دارند نشان می دهد آن چیزی که در زندگی و بالخصوص در فضای خانواده باید مورد توجه قرار گیرد؛ شروط موفقیت و شروط ناکامی در زندگی است و نه صرفاً توجه به ظواهر زندگی. در سوره مبارکه تحریم، با بیان بحث خانوادگی درون بیت رسول، نشان می دهد که ازدواج های پیامبر جنبه سیاسی داشته است. در مجموع این پنج سوره، با گذر از مسائل درون بیت به نقش افراد در ساختارهای اجتماعی اشاره دارد و علاوه بر توجه به آسیب هایی که در جامعه مدنی می تواند وجود داشته باشد ارکان جامعه مدنی را یاد آور شده و تبیین می کند.



سوره انفال و توبه	دو سوره مدنی هستند که به وضوح با تبیین شرایط کارزار و مسائل قبل و بعدش از دو منظر ایجابی و سلبی؛ آداب قیام، رزم و بروز نفاق در جامعه را بررسی می‌کنند. این دو سوره زوج سوره‌ای هستند که مفاهیم آن در هم تنیده و با هم مرتبط است. درواقع علاوه بر بیان احکام اجرایی و عملی آمادگی برای رزم، با بیان ویژگی طیف‌های مختلفی از انسان‌هایی که با رزم مشکل داشته و عهدشکن می‌باشند به نحوی مدیریت خود و شرایط را در عرصه‌های مختلف زندگی تبیین می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد در بُعد عملی برای اقامه ارزش‌ها و مدیریت جامعه مدنی تدبّر در این دو سوره لازم است.
سوره حج، نور و احزاب	سور مدنی هستند که با بیان مراتب بیت، نحوه جاری شدن احکام الهی در عرصه‌های مختلف را بیان می‌دارد. در سوره حج با مخاطب قرار دادن مشرکین، اصول دین را بیان نموده و آن‌ها را انذار و تخویف می‌دهد. و از طرفی دیگر با بیان قواعد منسک حج به عنوان نماد جهاد انبیاء در ابراز رسالت‌شان؛ ممزوجی از ایستادگی و مقاومت جهادگونه انبیاء در جاری کردن احکام خداوند در عرصه‌های اجتماعی، و در مقابل تهدید مقابله کنندگان با انبیاء را به تصویر می‌کشد. و از این طریق منسک حج را به عنوان راهکار عملیاتی شدن دعوت انبیاء معرفی می‌کند. در سوره احزاب با محور قرار دادن انواع روابط در درون بیت رسول، قواعدی بیان می‌گردد که رعایت آن‌ها به عنوان حفظ شأن ولایت پیامبر در درون بیت مهم می‌شود. و در واقع منشوری از نحوه تعامل و ارتباط با پیامبر ارائه داده و یادآور می‌شود حفظ شأن پیامبر به عنوان ولی جامعه و رعایت حدود الهی، به منزله امانت‌داری در عرصه‌های اجتماعی است. سوره نور نیز با طرح مباحث خانواده به قواعد کوچک‌ترین بیت در عالم اشاره دارد. از آسیب‌هایی که خانواده را تهدید می‌کند آغاز کرده و سپس با بیان قواعد توحیدی، راهی برای نورانی شدن بیت نشان می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت ما در واقع با حلقه و چرخه جاری شدن احکام خداوند در عرصه‌های مختلف اجتماعی مواجه هستیم. حرکتی که جهاد انبیاء در اقامه حکومت دینی را با نماد منسک نشان داده و برای تفصیلی‌تر شدن نحوه عملکردی انبیاء در عالم تعاملات اجتماعی با رسول را بیان می‌دارد. و بدین نحو شأن رسولان الهی به عنوان جهادگران عرصه‌های اجتماعی و تبیین کنندگان دین و جاری‌کنندگان منسک حج را بیان می‌دارد. و در ادامه با بیان نحوه رعایت حدود الهی در بیوت مؤمنان اشاره به این حقیقت دارد که برای برپایی مناسک و امت‌سازی در جامعه مدنی باید از رعایت قواعد و حدود الهی در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و در ابتدایی‌ترین روابط اجتماعی شروع کرد.



سوره بقره و آل عمران	زوج سوره‌هایی هستند که موضوعات مطرح شده در آن بسیار با یکدیگر مرتبط هستند و چگونگی رسیدن احکام به تفصیل را بیان می‌کنند. چنانچه کسی توان فهم این دو سوره را داشته باشد می‌توان گفت علاوه بر فهم مدیریت زندگی، تبدیل به انسان چابکی شده است که توان گام‌بندی‌های اجرایی را دارد. سوره بقره با تمرکز بر ابعاد تقویت‌کننده و محدودکننده برنامه‌ریزی اجتماعی ذیل موضوع کتاب و نوع رویکرد و موضع‌گیری انسان‌ها نسبت به آن، و از طرفی با طرح مباحث نظام ولایی و امام حق و امام کفر به مباحث اصلاح و افساد و نحوه برنامه‌ریزی اجتماعی پرداخته است. بنابراین با طرح مبحث مدیریت، امکانات و شرایط بایی را در حیطه برنامه‌ریزی اجتماعی برای فعال‌سازی جمعی جهت رسیدن به مقصدی مشخص گشوده است. سوره آل عمران نیز، سوره تهلل است و مبحث "لا اله الا الله" در آن ویژه مطرح شده است. در سوره بقره امامی که مطرح می‌کند، در سوره آل عمران تبدیل به یک اُمت شده است؛ بنابراین بحث ولایت-پذیری در جامعه مدنی از مجموع این دو سوره قابل پیگیری است. با توجه به این نکته کلیدی باید خاطر نشان کرد در برنامه‌ریزی اجتماعی می‌توان جهت تقویت رفتارهای اجتماعی و نفوذپذیری آن در اجتماع طبق ضوابط و زمان‌بندی می‌توان از دو وجه مدیریت و نظام‌سازی اجتماعی از این دو سوره مدد گرفت.
سوره فتح، محمد و حجرات	سوره‌های مبارکه محمد، فتح و حجرات سه سوره مدنی هستند که هر کدام علی‌رغم اینکه فضای خودشان را دارند با یکدیگر دارای قرابت معنایی هستند. محور سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم قتال است. و به مسائل قبل جنگ و حین جنگ و بعد جنگ می‌پردازد. به نحوی که در بعضی کتب با عنوان سوره قتال از آن یاد می‌شود. قتال اراده‌ی نبودن است؛ الزاماً هم جنگ با شمشیر نیست. اراده‌ی نبودن را قتال می‌گویند. در سوره محمد، مقایسه مؤمن و کافر در صحنه‌های زندگی، با رویکرد از کارکرد انداختن طرف مقابل است. سوره مبارکه فتح نیز فتح قرآن است. فتح یعنی به واسطه رسول اعظم خیلی از درها باز شده است. اگر ایشان نبودند خیلی درب‌ها باز نمی‌شد. سوره فتح سوره حضور پیامبر در زندگی نوع بشر و فتح‌های پیاپی درعالم است. سوره مبارکه حجرات به عنوان سوره آداب و اخلاق اجتماعی، با بیان قواعد زندگی جمعی سالم، به آداب برخورد با پیشوای اعظم اسلام و چگونگی برخورد با اختلافات و درگیری‌ها میان مسلمانان پرداخته و اصولی که مسلمانان در مواجهه با رسول الله باید به کار بندند را بیان می‌دارد. بنابراین می‌توان سیر منسجمی از ابراز موضع‌گیرانه متناسب با شرایط اجتماعی، نسبت به احکام الهی و خنثی نبودن نسبت به آن را در سوره محمد دنبال کرد و سپس در ادامه پیروزی مسلمانان به دلیل



پیروی از دستورات خدا و رسول را در سوره فتح دید. و در سوره حجرات نحوه اطاعت و ادب اجتماعی نسبت به پیشوای اسلام برای ادامه فتح‌های مختلف در عرصه‌های کارزار اجتماعی آموخت. این سه سوره با روند بسیار دقیقی ابتدا با ارائه دسته‌بندی کلی به ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن عمل اختیاری انسان در جامعه (اعم از ایمان آوردن به احکام و دستورات الهی تا ایجاد نفاق و یا کافر شدن به آن)، اعمال و اصولی را معرفی می‌کند و تا جایی پیش می‌رود که می‌توان احکام دقیق مواجهه‌ها و رفتارهای اجتماعی را نظم داده و برای اجرایی شدن آن برنامه‌ریزی کرد. از همین رو می‌توان گفت این سه سوره از وجه عملکردی، حد وصل برنامه‌ریزی اجتماعی و نظام‌سازی اجتماعی هستند.	
سوره مائده با طرح نظام ولایت و امامت، توضیح می‌دهد که اگر انسان‌ها در ساختار زندگی‌شان به سمت ولایت بروند؛ سبک زندگی‌شان به طور کلی تغییر کرده و طیب‌خواه خواهند شد. لذا برای اجرایی و عملی کردن ساختار و نظام طبیّات می‌توان از سوره مائده به عنوان سوره نظام‌ساز ولایت و تغییر دهنده سبک زندگی به سمت ولایت مداری، استفاده کرد.	سوره مائده



ضمیمه شماره ۲

انواع تفصیل روابط:

۱. تفصیل روابط از نظر رتبه

هر یک از این روابط دارای احکام حقوق و غایت مخصوص خود است.

شفع: رابطه‌ای برای رسیدن به مقصدی رابطه شفعیّت رابطه‌ای است میان دو چیز، بر محور مشترکی که میان آن دو استوار می‌شود. و یکی داشته خود را به داشته دیگری ملحق می‌کند تا بتواند به غرض و نتیجه‌ای دست یابد.
عون: رابطه همکاری برای تحقق امری رابطه عون، رابطه همکاری میان دو چیز برای تحقق امری است.
زوج: رابطه شراکت و تولید زوج آن چیزی است که در راستای وجود و بقای موجودی همراه، مقارن و معادل با آن دارای جریان مشخص و برنامه معلوم باشد و بتواند این منظور را رقم بزند لذا هر زوجیتی مستلزم موارد زیر است: وجود نقص، غرض و غایتی برای برطرف شدن نقص، وجود دو زوج معادل و قرین ولی گوناگون، که همراهی آنها موجب برطرف شدن نقص است، پیوند بین آن دو زوج، ایجاد شرایط لازم برای برطرف شدن نقص، نتیجه برطرف شدن نقص به عنوان محصول
ولایت: رابطه سرپرستی و مقام امر و نهی و تکفل رابطه ولایی یعنی عطف با کسی که به نحوی انسان را به باید‌ها و نبایدهای الهی متصل می‌کند. عطف به ولی باعث می‌شود تا انسان بر احکام خود واقف شده و بتواند ظرفیت خود را برای پذیرش احکام بعدی و دریافت محبت بیشتر به خداوند افزایش دهد.



۲. تفصیل روابط از نظر شئون و ویژگی

شئون و ویژگی‌ها اعتبارهایی است که برای روابط می‌شود و به آن‌ها خاصیت می‌بخشد. اعتبار روابط و حقوق و احکام آن از جانب خدا تعیین می‌شود. برخی از این روابط عبارتند از:

رابطه انسانی: هر انسانی از جانب خدا بر دیگر انسان‌ها حقوق معلوم و مشخصی دارد. منظور از روابط انسانی سطحی از رابطه است که بدون در نظر گرفتن فرهنگ، دین، خویشی و مواردی از این دست شکل می‌گیرد و در تعاملات تنها وجه انسان بودن افراد دخیل است. این روابط بر اساس حقوق انسانی تنظیم می‌شود و در دین احکامی مخصوص را به خود اختصاص داده که لازم است رعایت شود.
رابطه قومیت: هر انسانی به اعتبار هم‌عهده‌ی اجتماعی‌اش بر سایر افراد هم‌عهد خود حقوق مشخصی دارد. این روابط بر اساس حقوق مربوط به زیست‌گاه مشترک و یا هم‌عهده‌ی مشترک و اشتراکات مادی یا معنوی تنظیم می‌شود.
رابطه عهده‌ی: علاوه بر عهده‌های طبیعی و تکوینی افراد می‌توانند بین خود نیز عهده‌های اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی جاری سازند.
رابطه دینی: انسان‌هایی که به شریعت‌های دیگر توحیدی هستند حقوقی مشخص بر مسلمانان دارند.
رابطه ایمانی: روابط ایمانی عبارت است از پیوند مجموعه‌ای از انسان‌ها با شأن ایمانی برای تحقق غایت خاص و حرکت در مسیری واحد که در راستای نصرت دین خدا و منویات ولی حق در جامعه بوده، به تثبیت قدم و ایمان‌افزایی در جمع، گسترش دین خدا در میان سایر انسان‌ها و همچنین توسعه جمع‌های این چنینی منجر خواهد شد. این روابط بر اساس حقوق مربوط به فضای دینی، ایمانی و اسلامی مشترک تنظیم می‌شود و افراد ملزم هستند تا بر اساس این فضا حقوقی را در رابطه باهم به جا آورند.
رابطه برادری: براداری دارای انواعی است و هر یک دارای حقوق مشخصی است.
رابطه خویشاوندی: روابط ارحامی، اتصال و ارتباط میان افراد که در قالب خانواده‌ها و بیوت صورت می‌گیرد و با محوریت اُمّ می‌باشد، شکل‌دهنده ارحام است. هر انسانی که به دنیا می‌آید در پیوندهای خویشاوندی با افراد دیگر قرار دارد. در صورتی که بیوت نسبت به این پیوندها اهتمام داشته باشند و اتصال با دیگران از طریق این پیوندها را حفظ نمایند، هویت جمعی ارحام شکل گرفته می‌شود. رابطه فامیلی-سببی و نسبی- برای هر فرد به طور طبیعی اتفاق می‌افتد و خویشاوندان به نسبت نزدیکی خود دارای حقوق هستند. این نسبت‌ها در صورتی که با رابطه ایمانی تداخل نداشته باشند، قابل اعتناست که احکام آن توسط دین تبیین شده است.
رابطه همسری: در رابطه همسری می‌تواند بسیاری از روابط فوق جمع باشد لذا از سایر روابط حساس‌تر و دقیق‌تر و دارای میثاقی غلیظ‌تر است.



۳. تفصیل روابط از نظر نیازها و مقاصد

در این حالت از روابط افراد هر یک به نسبت کارکردی که می‌یابند دارای نوعی رابطه می‌شوند. برای هر یک از این رابطه‌ها در دین احکامی مشخص وضع شده است.

رابطه همسفری: مسافرت یکی از ضرورت‌های زندگی است که نوعاً به همراه عده‌ای صورت می‌گیرد و دارای حقوق خاصی است.
رابطه هم صحبتی: گفتگو یکی دیگر از ضرورت‌های زندگی است که برای خود دارای احکام خاصی است.
رابطه مشاوره: به طور طبیعی انسان قادر نخواهد بود نسبت به همه نیازهای خود علم به دست آورد. در مشورت افرادی که توانسته‌اند از وجهی قوت یابند، علم خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. بر افراد جامعه رجوع به ایشان طبق ضوابط عقلی و شرعی لازم است و بر کسانی که علمی در اختیار دارند نیز عطای بی‌دریغ آن علم به دیگران ضروری است.
رابطه همراهی: انسان در طی مسیر علمی یا معنوی یا حتی مسیر معمولی خود با افرادی هم مسیر می‌شود این هم مسیری دارای احکام و حقوقی است.
رابطه همسایگی: انسان در زندگی خود بنا به دلایلی با افراد مجاور می‌شود این مجاورت دارای حقوق و احکام خاص است.

۴. تفصیل روابط از نظر مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی

قدرت و علم، نفوذ افراد را در جامعه توسعه می‌دهد و این فضل و برتری به ایشان، مسئولیت بیشتری نسبت به دیگران عطا می‌کند. بر این اساس طبق نظام دینی جامعه به دو قشر عوام و خواص تفکیک شده و برای خواص نیز روابط متعددی در نظر گرفته شده و برای هر یک احکام و حقوقی فرض شده است. برخی از این رابطه‌ها عبارتند از:

رابطه خواص اجرایی در حکومت
رابطه خواص فکری و علمی جامعه
رابطه خواص اقتصادی
رابطه خواص سیاسی
رابطه خواص حافظ امنیت
رابطه خواص فرهنگی هنری
رابطه خواص صنعتی
رابطه خواص تبلیغی



۵. تفصیل روابط از نظر محبت و پیوند

دوستی و محبت از ویژگی‌های فطری انسان است که بر اساس سنخیت و ایجاد یگانگی فعال می‌شود. در عین حال هر محبتی دارای سطوحی از حقوق و احکام است که از دیگری متمایز و متفاوت است. برخی از این روابط را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

رابطه همسری
رابطه پدری
رابطه مادری
رابطه فرزندی
رابطه استادی
رابطه شاگردی
رابطه مولوی
رابطه برادری
رابطه خواهری
رابطه مشاوره‌ای
رابطه همکاری
رابطه دشمنی